

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۰۴

شنبه ۳ آذر ۱۴۰۳، ۲۳ نوامبر ۲۰۲۴

جمهوری اسلامی در منگنه فشار جهانی

حسن صالحی

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پنجشنبه اول آذر ۱۴۰۳، با تصویب یک قطعنامه که از سوی فرانسه، آمریکا، بریتانیا و آلمان ارائه شده بود، عدم همکاری حکومت اسلامی ایران با این نهاد نظارت هسته‌ای سازمان ملل متحد و همچنین مخفی‌کاری در فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی را محکوم کرد. این دومین قطعنامه علیه ایران در شش ماه گذشته است.

در واقع فاز تازه‌ای در مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی شروع شده که شامل فشارهای گسترده به این حکومت و کنارزدن تهدیدات حکومت اسلامی و کلاً تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی است و قطعاً شاهد گسترش چنین تحریم‌ها و فشارهایی در آینده نزدیک خواهیم بود. بایکوت و انزوی جمهوری اسلامی در واقع خواست مردم ایران است و اعمال چنین فشارهایی، به جز تحریم‌های اقتصادی که دودش به چشم مردم ایران می‌رود، صرف‌نظر از انگیزه و دلیل آن باعث تضعیف جمهوری اسلامی می‌شود و به نفع مردم ایران است. خاطرنشان کنیم که چندی پیش اتحادیه اروپا همگام با آمریکا اعلام کرد به‌خاطر صادرات و تحویل موشک‌های بالستیک ایران به روسیه، خطوط هوایی ایرانی از جمله ایران‌ایر و ماهان و ساها (سرویس اطلاعات و ارتباط هوایی ارتش) را در فهرست تحریم‌هایش قرار می‌دهد. اخیراً نیز اتحادیه اروپا به دلیل کمک جمهوری اسلامی به روسیه در جنگ با اوکراین کشتی‌ها و بنادر که پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی، موشک و قطعات و فناوری‌های مرتبط را انتقال می‌دهند مورد تحریم قرار داد و صادرات، انتقال، تأمین یا فروش قطعات مورد استفاده در ساخت و تولید موشک و پهپاد از اتحادیه اروپا به ایران را منع کرد. و اینها همه در شرایطی است که به دنبال قتل حکومتی زندانی سیاسی جمشید شارمهد توسط حکومت اسلامی، دولت آلمان سه کنسولگری رژیم اسلامی را در این کشور بست و کشورهای بیشتری در اتحادیه اروپا خواهان قرارگرفتن سپاه در لیست نیروهای تروریستی شده‌اند.

واقعیت این است که حکومت اسلامی ایران بعد از شروع جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و حمایت جهانی از این جنبش به شدت تحت فشار قرار گرفت و هر چه بیشتر تحت فشار بین‌المللی قرار گرفت. رژیم اسلامی تلاش کرده است که با به عضویت در آمدن در بریکس و شانگهای یعنی دو پیمان اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی که به‌موازات غرب ایجاد شده است فشارهای بین‌المللی بر خود را خنثی کند و یا کاهش دهد. اما نقش جمهوری اسلامی در تحولات منطقه و حمایت این رژیم

از نیروهای نیابتی تروریستی نظیر حزب‌الله و ادامه در صفحه ۱۰

قطعنامه در مورد جنبش بر سر معیشت و رفاه

مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲

خامنه‌ای در آخر خط

تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید

صفحه ۳

خشونت اسلامی و حکومتی علیه زنان

محسن ابراهیمی

صفحه ۷

جنبش اعتراضی با قدرت جریان دارد

سؤال از شهلا دانشفر

صفحه ۹

«اتحاد مقدس» علیه زنان و ال جی بی تی کیوها

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۱۱

وقتی توده‌ها از «روشنفکران» جلو می‌زنند

کیوان جاوید

صفحه ۱۲

کار مزدی و سرمایه (بخش پایانی)

نوشته کارل مارکس

ترجمه از کاظم نیک‌خواه

صفحه ۱۳

حکم بازداشت رهبران دولت اسرائیل و حماس

یک کام به جلو علیه جنایت کاران جنگی

صفحه ۱۵

ضدیت و اتیکان و کشورهای مرتجع با جنسیت و

همجنس‌گراها

نسان نودینیان

صفحه ۱۶

جمهوری اسلامی زیر فشارهای جدید بین‌المللی

مهران محبی

صفحه ۱۷

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۹

قطعه‌نامه در مورد جنبش بر سر معیشت و رفاه

مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ آبان ۱۴۰۳، ۱۸ نوامبر ۲۰۲۴

۱- اقتصاد تحت حاکمیت جمهوری اسلامی یک اقتصاد عمیقاً بحران‌زده و فلج است. هویت غرب‌ستیزانه جمهوری اسلامی و نقش کلیدی حکومت در جنبش اسلام سیاسی سیستم اقتصادی تحت تحریم و منزوی از بازار جهانی ایجاد کرده است که بر رانت‌خواری و ارز دونه‌ری، بازار قاچاق، کسبه تحریم، سلطه باندهای مافیائی واسطه و پیمانکار بر واردات و صادرات و رشته‌های مختلف تولیدی، و نظایر آن مبتنی است. فساد و دزدسالاری جزء نهادینه این سیستم است. سیستمی که بی‌ثبات است، قابل‌پیش‌بینی و برنامه‌ریزی حتی در میان‌مدت نیست، از این ستون به آن ستون حرکت می‌کند و در نتیجه با یک بحران ساختاری و نهادینه مواجه است که بهایش را کارگران و توده مردم به زیر خط فقر رانده شده می‌پردازند.

۲- این شرایط یک بحران شدید معیشتی را ایجاد کرده که مختصات آن فقر کم‌رشدکننده و خردکننده و زندگی زیر خط فقر بخش‌های وسیع مردم، گرانی فزاینده و کاهش هر روزه قدرت خرید اکثریت مردم، بیکاری گسترده، و مصائبی نظیر محرومیت از تحصیل و کار کودکان است. کار بردهوار و غیرقابل‌تحمل برای کارگران و معلمان و پرستاران و کارکنان ادارات و فشار معیشتی غیرقابل‌تحمل به بخش‌های مختلف مردم از جمله

بازنشستگان، جمعیت میلیونی بیکاران، کولبران و سوختبران، افراد دارای معلولیت، کشاورزان و مردم مناطق محروم از عوارض مستقیم این وضعیت است. ۳- در برابر این اوضاع سال‌هاست که جنبش گسترده‌ای بر سر معیشت و حقوق و رفاه جریان دارد که بخش‌های عظیمی از جامعه را در بر می‌گیرد و ستون اصلی آن را بازنشستگان و کارگران تشکیل می‌دهند.

۴- جنبش بر سر معیشت و رفاه بسیار گسترده است و هر روز ابعاد سازمان‌یافته‌تری به خود می‌گیرد. اعتراضات هر روزه بازنشستگان، اعتراضات گسترده در نفت و به میدان آمدن خانواده‌ها در این اعتراضات، اعتراضات پرستاران، تجمعات افراد دارای معلولیت، اعتراضات دانشجویان بر سر افزایش نرخ شهریه‌ها، اعتراضات معلمان، اعتراضات کشاورزان، نمونه‌های بارز آن است. اعتراضاتی در چنین ابعاد نقش بسیار مهمی در تقویت فضای سیاسی و اعتراضی در کل جامعه دارد.

۵- هدف فوری و بلاواسطه جنبش معیشت افزایش دستمزدها و حقوقها، مقابله با دزدی‌ها و اختلاس‌ها، گرفتن حقوقهای پرداخت نشده، درمان رایگان و بیمه‌های درمانی و بیمه‌های اجتماعی و امثال اینها است. از آنجاکه مبارزه برای تحقق هر کدام از موارد فوق و سایر مطالبات کارگران با نیروی سرکوب حکومت مواجه می‌شود، از همین رو جنبش بر سر معیشت یک جنبش و مبارزه سیاسی و ضد حکومتی است که با

۶- بحران معیشت با سیاست جنگ‌افروزی حکومت هر چه بیشتر تشدید شده و مقابله با آن ضرورت دارد. جنبش معیشت در فضای تنش‌های جنگی میان جمهوری اسلامی و اسرائیل ابزار مهم این مقابله است و ستون صف‌بندی مبارزاتی مؤثری علیه جنگ‌افروزی‌های حکومت است.

۷- جنبش معیشت و رفاه از نظر مضمون خواست‌ها، و اهدافی که مقابل خود قرار می‌دهد، جنبشی، ضد سرمایه‌داری است و کل سیستم اقتصادی و سیاسی حاکم را به مصاف می‌گیرد. به‌ویژه این بخش‌های مختلف کارگری هستند که نقش فعالی در این جنبش دارند. این جنبش هم از نظر مطالبات اقتصادی و هم رویکرد سیاسی و اجتماعی یک جنبش رادیکال، رزمنده و متعین است و توده مردم به زیر فقر رانده شده را نمایندگی می‌کند. "منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی ایران" بیان فرموله این جنبش است.

۸- جنبش معیشت هم در شکل‌گیری انقلاب زن زندگی آزادی مؤثر بوده و هم از آن مستقیماً تأثیر گرفته است. بعد از فوران این انقلاب فضای اعتراضات و تجمعات بازنشستگان و کارگران و پرستاران رادیکال‌تر و سیاسی‌تر شده و ریتم

تعرضی‌تر و پیشروتری به خود گرفته است. "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" یک شعار متحدکننده همین امروز این جنبش است. حزب کمونیست کارگری تقویت و گسترش جنبش بر سر معیشت و رفاه را یک وظیفه مهم و عاجل خود می‌داند و تلاش می‌کند این جنبش از جنبه‌های مختلف تقویت شود و توسعه یابد.

الف: اتحاد عملی بخش‌های مختلف کارگری معلمان، بازنشستگان، پرستاران و دیگر بخش‌های معترض بر سر معیشت، یک گام مهم در پیشروی این جنبش است. این امر اساساً در گرو همسویی و هماهنگی و همکاری عملی فعالین و نهادهای دست‌اندرکار جنبش‌های اعتراضی حول خواست‌های معیشتی بخش‌های مختلف جامعه است. که باید برای آن فعالانه تلاش کرد.

ب- مقابله با اختلاس‌ها و حقوق‌بگیران نجومی، پایان دادن به سرکوبگری‌ها و تعرضات معیشتی حکومتی و خواست‌های سراسری ای چون افزایش دستمزدها، پرداخت حقوقهای عقب‌افتاده، بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران، درمان و آموزش رایگان، تأمین مسکن مناسب برای همه،



بازنشستگان، جمعیت میلیونی بیکاران، کولبران و سوختبران، افراد دارای معلولیت، کشاورزان و مردم مناطق محروم از عوارض مستقیم این وضعیت است.

۳- در برابر این اوضاع سال‌هاست که جنبش گسترده‌ای بر سر معیشت و حقوق و رفاه جریان دارد که بخش‌های عظیمی از جامعه

را در بر می‌گیرد و ستون اصلی آن را بازنشستگان و کارگران تشکیل می‌دهند.

۴- جنبش بر سر معیشت و رفاه بسیار گسترده است و هر روز ابعاد سازمان‌یافته‌تری به خود می‌گیرد. اعتراضات هر روزه بازنشستگان، اعتراضات گسترده در نفت و به میدان آمدن خانواده‌ها در این اعتراضات، اعتراضات پرستاران، تجمعات افراد دارای معلولیت، اعتراضات دانشجویان بر سر افزایش نرخ شهریه‌ها، اعتراضات معلمان، اعتراضات کشاورزان، نمونه‌های بارز آن است. اعتراضاتی در چنین ابعاد نقش بسیار مهمی در تقویت فضای سیاسی و اعتراضی در کل جامعه دارد.

۵- هدف فوری و بلاواسطه جنبش معیشت افزایش دستمزدها و حقوقها، مقابله با دزدی‌ها و اختلاس‌ها، گرفتن حقوقهای پرداخت نشده، درمان رایگان و بیمه‌های درمانی و بیمه‌های اجتماعی و امثال اینها است. از آنجاکه مبارزه برای تحقق هر کدام از موارد فوق و سایر مطالبات کارگران با نیروی سرکوب حکومت مواجه می‌شود، از همین رو جنبش بر سر معیشت یک جنبش و مبارزه سیاسی و ضد حکومتی است که با



خامنه‌ای در آخر خط

تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با برنامه پاسخ کانال جدید

داشته باشد ولی از نظر نظامی نقش و ارزشی ندارد؛ بنابراین آن ابزارها و اهرم‌هایی که باعث می‌شد گفت‌وگو و رتوریک و رجزخوانی‌های ضداسرائیلی - ضدآمریکایی در منطقه کاربردی داشته باشد، و باعث شود رژیم در جنبش اسلام سیاسی موقعیتی کسب کند و در میان دولت‌ها و نیروهای سیاسی منطقه اعتباری به دست بیاورد، این عامل از بین رفته است. سرمایه عملی و واقعی رژیم یعنی نیروهای تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی تا حد زیادی خنثی شده‌اند و حملات موشکی‌اش هم تا حد زیادی بی‌ثمری خودش را نشان داده و به این ترتیب سیاست آمریکا ستیزی، غرب ستیزی، اسرائیل ستیزی، به آخر خط رسیده است. قرار بود به قول خود خامنه‌ای نیروهای نیابتی سپری باشد در راه حفظ امنیت رژیم. این سپر از بین رفت و اسرائیل و جمهوری اسلامی مستقیماً مقابل هم قرار گرفتند. معلوم شد اسرائیل می‌تواند پایگاه نظامی جمهوری اسلامی را بزند. معلوم شد از داخل خاک خود ایران می‌تواند کسی مثل اسماعیل هنیه را ترور کند و حتی مقامات خود حکومت هم از تیررسش دور نیستند. به این ترتیب قدرت نظامی اسرائیل پایش به ایران باز شد. قرار بود این طور نباشد. قرار بود حزب‌الله و حماس سپر بلا باشند. قرار بود با حملات موشکی حزب‌الله و حماس جواب این "جسارت‌های رژیم صهیونیستی" داده شود. اما این نیروها شیرازه‌شان از هم پاشیده شد و رجزخوانی‌های حکومت مابازای عملی خود را از دست داد. استراتژی ضدآمریکایی ضد اسرائیلی با اتکا به موشک‌ها و با اتکا به نیروهای نیابتی دندان‌کشیده شد، و به این ترتیب شرایط کاملاً عوض شد. چه کسی نماینده این خط بود؟ چه کسی رهبر این خط بود؟ روشن است که خامنه‌ای این نقش را ایفا می‌کرد.

بنابراین، اگر رژیم بخواهد تغییر ریلی بدهد، حتی اگر بخواهد کمی مسیرش را عوض کند و از شدت ضدآمریکایی ضداسرائیلی‌اش بکاهد، اگر بخواهد سیاست "نه جنگ نه مذاکره" را تبدیل بکند به "نه جنگ با مذاکره"، برای حتی همین سطح از تغییرات، خامنه‌ای دیگر نمی‌تواند همچنان رأس حکومت باشد.

جنبه دیگر و به نظر من عامل مهم‌تر خشم و نفرت عمومی مردم ایران از خامنه‌ای به عنوان رهبر و مسئول مستقیم کشتارها و همه مصائبی است که به مردم این تحمیل شده است. مرگ بر

ادامه در صفحه ۴

حسن صالحی: اخیراً بحث بر سر جانشینی خامنه‌ای در رسانه‌ها بالا گرفته است. بحث از آنجا شروع شد که عباس پالیزدار یکی از مقامات حکومتی که قبلاً در مورد فساد و رشوه‌خواری در حکومت افشاگری کرده بود از مجتبی خامنه‌ای به عنوان یک چهره ضدفساد سخن گفت. جلسه‌ای هم مجلس خبرگان داشت که غیرمترقبه بود. عده‌ای از شرکت کنندگان در جلسه گفتند خامنه‌ای از آنها خواسته است که جانشین رهبری را فوراً تعیین کنند و کلاً صحبت‌های خامنه در این جلسه این استنباط را به دست داده که ایشان نگران این است که به سرنوشت حسن نصرالله و اسماعیل هنیه دچار شود. برخی هم گفتند چنین صحبت‌هایی در میان نبوده و بحث‌های جلسه عادی و به روال همیشه بوده است. سؤالی که می‌خواهم از شما بپرسم این است که آیا در این مجموعه بحث‌هایی که شما دنبال کردید نشانه‌ای از این می‌بینند که خامنه‌ای وبال گردن نظام شده باشد به طوری که بخواهند این مانع را از سر راهشان بردارند؟

حمید تقوایی: خامنه‌ای هم رکن حکومت و محور نظام جمهوری اسلامی است و هم در شرایط حاضر به یک نقطه ضعف نظام تبدیل شده. این نکته دوم است که ویژه و مهم است. در مورد جنبه اول اکنون نزدیک به ۴ دهه است که ایشان ولی فقیه و رهبر بلامنازع نظام است؛ شخصی که دولت تعیین می‌کند، سیاست خارجی را تعیین می‌کند، سیاست داخلی را تعیین می‌کند، سپاه و نیروهای مسلح به او وفا دارند و آن‌ها را زیر نگین انگشتی دارد و به همین خاطر قدرتش بلامنازع است و غیره. آنچه جدید است این است که آن استراتژی که ایشان دنبال می‌کرد، یعنی سیاست پایه‌ای و اساسی اسرائیل ستیزی و آمریکا ستیزی با اتکا به نیروهای مختلف تروریستی در منطقه، نیروهای نیابتی که امروز نام بی‌مسما‌ی جنبه مقاومت را رویش گذاشته‌اند، این سیاست استراتژیک امروز دیگر به آخر خط رسیده است. اولاً نیروهای نیابتی‌اش تا حد زیادی، نود درصد خنثی شده‌اند و حسن نصرالله و اسماعیل هنیه و بسیاری از فرماندهان نظامی حزب‌الله و حماس کشته شده‌اند و ثانیاً قدرت موشکی جمهوری اسلامی که این هم یک رکن دیگر رجزخوانی‌ها عرض اندام نظامی حکومت بود هم دوبار امتحانش را پس داده و همه دیده‌اند که از لحاظ نظامی موشک‌های حکومت ارزش چندانی ندارد. موشک‌پرانی‌های رژیم از نظر حیثیتی و آبروداری و از نظر تبلیغی ممکن است تأثیر و جایگاهی

خامنه‌ای در آخر خط

از صفحه ۳

خامنه‌ای و "خامنه‌ای حیاکن مملکتورها کن" از جمله شعارهای محوری مردم در جنبش‌های ضد حکومتی سال‌های اخیر به‌ویژه در انقلاب زن زندگی آزادی بوده است و از این نظر هم خامنه‌ای به وزنه‌ای بر پای نظام تبدیل شده.

به این دلایل است که رژیم به این فکر افتاده که به نحوی به شکل تدریجی و گام‌به‌گام و با عزت و احترام خامنه‌ای را اگر کنار هم نگذارد نقشش را فرعی کند و یک ولی فقیه دیگری علم کنند.

حسن صالحی: منظورتان این است که خود حکومت دارد این کار را می‌کند؟ آیا همه هم صدا هستند و اجماعی وجود دارد؟

حمید تقوایی: روشن است که گفتمان جانشینی رهبر علی‌رغم میل خامنه‌ای صورت نمی‌گیرد خود خامنه‌ای باید این روند جانشینی را تأیید کند. ببینید این اولین بار نبود که پالیزدار از فساد سپاه و حکومتی‌های می‌گفت ولی اولین بار بود که مجتبی خامنه‌ای را به‌عنوان جانشین رهبر و قهرمان مبارزه با فساد لایحه می‌کرد. غیرممکن است که کسی بدون رضایت خامنه‌ای چنین اظهاراتی بکند و موضوع رسانه‌ای بشود. گرچه آن روی سکه این بحث این است که خامنه‌ای اهل مقابله با فساد نیست ولی مطرح کردن مجتبی به‌عنوان رهبر همچنان بیت رهبری را در رأس قدرت قرار می‌دهد. و تمامشان نزول این اظهارات علیه فساد نیز همین است.

خامنه‌ای می‌خواهد مسئله جانشینی طوری حل‌وفصل بشود که قدرت در دست بیت خودش باقی بماند. مثل خاندان سلطنتی. الان برای خامنه‌ای این امر مهم‌تر از قدرت شخصی خودش است. به‌خاطر اینکه در میان بیت رهبری و اعوان و انصارش یک الیگارش‌ی مالی شکل گرفته که تقریباً ۸۰ درصد اقتصاد ایران را در دست دارد. در محور بخورویچاپ‌ها و رانت خواری و دزدی‌ها و فساد که این جناب پالیزدار فقط گوشه‌ای از آن را بر ملا کرده بیت رهبری و وابستگانش قرار دارند. قدرت و ثروت باید در دست این الیگارش‌ی باقی بماند تا نظام حفظ بشود و برای این کار چه کسی بهتر از پسر خامنه‌ای؟ از نظر این دارودسته گذار از خامنه‌ای به پسرش این امر را تأمین می‌کند. خود قدرت حاکم، خامنه‌ای و اصول‌گرایان دوآتشه و ذوب‌شدگان در ولایت فقیه، می‌خواهد این امر را مدیریت کند. نه حتی جناح دو خرداد و اصلاح‌طلب. قرار نیست اصلاح‌طلبان قدرت بگیرند. مجتبی خامنه‌ای هیچ‌وقت جزو اصلاح‌طلبان نبوده است. او را علم می‌کنند تا خود خط اصول‌گرا را به دست بگیرد و خودش دست به یک "نرمش قهرمانانه" بزند تا به خیال خودشان با کمترین تنش از این بن‌بست در بیایند.

یک علت پایه‌ای این بن‌بست که باید بر آن تأکید کرد وضعیت اقتصادی است. اگر وضع به همین منوال پیش برود ممکن است تا چند ماه حتی حقوق کارمندان دولت را نتوانند بدهند. امروز خاموشی‌های برق را داریم، پس فردا آب هم جیره‌بندی می‌شود، گرانی با کمبود و کمیابی کالاهای اساسی تکمیل می‌شود و بالاخره دولت به ورشکستگی کامل می‌رسد. رژیم خود بر این وضعیت بحرانی واقف است و تلاش دارد با تعامل بیشتر با غرب وارد بازار جهانی بشود و این شرایط غیر قابل ادامه را تغییر بدهد، و البته در عین حال قدرت در دست بیت رهبری باقی بماند. به نظرم این نسخه‌ای است برای در هم شکستن بن‌بست و خود خامنه‌ای پای این سناریو است.

حسن صالحی: شما از تغییر و تحولات بزرگی صحبت می‌کنید. اینکه مثلاً جمهوری اسلامی از آمریکا و یا اسرائیل ستیزی‌اش دست بردارد امر

ساده‌ای نیست چون اینها جزء هویت جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی خودش را با چنین مواضع و سیاست‌هایی تعریف کرده چطور می‌تواند حکومت از آنها کوتاه بیاید و در عین حال در قدرت باقی بماند؟

حمید تقوایی: بله این کار ساده‌ای نیست. این روند تنش‌های درون حکومت را به‌مراتب تشدید می‌کند. اما باید توجه داشت که جمهوری اسلامی در یک موقعیت باخت‌باخت قرار گرفته. اینها وقتی دچار چنین وضعیت وخیمی می‌شوند راه‌حل‌های پراگماتیستی و کوتاه‌مدت را در دست می‌گیرند چون شما هر استراتژی‌ای داشته باشید اگر مشکلات مقطعی را کنار نزنید به اهداف استراتژیک هم نمی‌توانید برسید. به همین خاطر رژیم به تاکتیک تعامل بیشتر با غرب متمایل می‌شود کما اینکه از هم اکنون بحث امکان مذاکره با غرب را براه انداخته‌اند. ممکن است به کلی گویی علیه غرب ادامه بدهند ولی مشخصاً مرگ بر شیطان بزرگ و به دریا ریختن رژیم صهیونیستی را کنار می‌گذارند. عملاً هم از هم اکنون این شعارها را کنار گذاشته‌اند. اگر به‌خاطر داشته باشید خامنه‌ای در نماز جمعه بعد از حمله اسرائیل به کلی گویی علیه آمریکا و اینکه اگر از منطقه بیرون بروید مسائل حل خواهد شد بسنده کرد و حرفی از نابودی رژیم صهیونیستی بر زبان نیاورد. می‌خواهند به‌اصطلاح فتیله اسرائیل ستیزی را پایین بکشند و امکان مذاکره با آمریکا را باز بگذارند. موضعی شبیه آنچه روحانی و خاتمی و رفسنجانی داشتند. ولی همین حد از تغییر هم تنش ایجاد خواهد کرد. منتهی تنش در میان صفوف رژیم کمتر خواهد بود اگر سهم همه دار و دسته‌های حکومتی از ثروت و قدرت حفظ بشود. اگر به نحوی این تغیر صورت بگیرد که هیچ در و دسته‌ای در حکومت مغبون نشود این حالت ایده‌آلی برای حکومت خواهد بود.

اما این هم تقریباً غیرممکن است. نه به‌خاطر دعوی جناح‌ها بلکه به‌خاطر اینکه هر نوع نرمشی، در سیاست‌ها تا کنونی ولی فقیه ترجمه می‌شود به تعرض بیشتر خیابان. ترجمه می‌شود به پیشروی بیشتر انقلاب زن زندگی آزادی و آن عامل تعیین‌کننده‌ای که تمام این تلاش‌های بالائی‌ها بر آن بنا شده و روند و سیر تحولات را تعیین می‌کند قدرت اعتراضات مردم است. اگر رژیم با انقلاب زن زندگی آزادی درگیر نبود اصلاً به این روز نمی‌افتاد. اگر با خشم نفرت مردم روبرو نبود اصلاً به رتوریک ضدآمریکایی و اینکه حزب‌الله و حماس و غیره را به جان اسرائیل بیندازد احتیاجی نداشت. مرگ بر آمریکا شعاری است برای سرکوب مردم. و وقتی مردم مانند امروز به مصاف با رژیم برخاسته‌اند هر درجه آمریکاستیزی حکومت رقیق‌تر بشود تعرض مردم قوی‌تر و گسترده‌تر می‌شود. خود حکومت به‌خوبی بر این امر واقف است. همانطور که در رابطه با حجاب رژیم اعلام کرد این اولین خاکریز است و اگر کوتاه بیاییم مردم تا بیشتر پیشروی خواهند کرد؛ در سیاست خارجی هم این امر صادق است. اگر مردم متوجه شوند که این حکومت ناگزیر شده ضدآمریکایی و ضد اسرائیلی گری را کنار بگذارد دست به تعرض بیشتری خواهند زد. و این عامل به نظر من تنش‌های درون حکومتی را هر چه بیشتر تشدید می‌کند. من فکر نمی‌کنم که این آخر خط خامنه‌ای می‌تواند آغازی جدید برای حکومت باشد. این آخر خط حکومت هم خواهد بود.

حسن صالحی: آیا مجتبی خامنه‌ای که او را با بن سلمان ولیعهد عربستان مقایسه می‌کنند، می‌تواند جمهوری اسلامی را اصلاح کند و یا راه تعامل با غرب را در پیش بگیرد؟ لاقلاً به این توهمات در جامعه دامن بزند و مردم را در انتظار نگه دارد؟

حمید تقوایی: به نظر من شرایط سیاسی ایران، به‌ویژه تا آنجا که به جنگ مردم با حکومت مربوط می‌شود فرق چندانی نخواهد کرد. اولاً فساد امری نهادینه شده در نظام جمهوری اسلامی است که از بیت رهبری تا همه مقامات کشوری و لشکری را در بر می‌گیرد. ریشه‌کن کردن فساد تنها با ریشه‌کن کردن کل رژیم امکان‌پذیر

خامنه‌ای در آخر خط

از صفحه ۴

است. ثانیاً تا آنجا که به سیاست خارجی رژیم مربوط می‌شود مردم درگیر جنگ بی‌امانی با کل نظام هستند و حکومت هر رابطه‌ای با آمریکا و اسرائیل داشته باشد مبارزه مردم برای سرنگونی حکومت ادامه خواهد داشت. مردم از تبعیض، از قوانین اسلامی، از حاکمیت سپاه مذهب، از فقر و فساد، از گرانی، از پائین بودن دستمزدها، از سرکوب و بی‌حقوقی و از زندان اعدام و غیره به ستوه آمده‌اند. رابطه حکومت با آمریکا هر چه باشد تا وقتی این مسائل وجود دارد مردم به جنگشان ادامه خواهند داد. مردم به درست به این نتیجه رسیده‌اند که برای اینکه این مسائل حل بشود باید حکومت سرنگون شود؛ بنابراین مستقل از اینکه رابطه اینها با غرب چقدر خصومت‌آمیز و چقدر حسنه باشد جنگ مردم با حکومت سر جای خودش هست. همانطور که اشاره کردم این انقلاب، این اعتراض پائین هست، که بالائی‌ها را به رقص وامی‌دارد. مثلی هست که می‌گوید وقتی در پارلمان ویولن می‌زنند مردم در خیابان‌ها می‌رقصند. استعاره از اینکه اختلافات میان بالائی‌ها تعرض مردم را تشدید می‌کند. به نظر من در شرایط امروز ایران عکس قضیه بیشتر صادق است. این ساز مردم است که بالائی‌ها را به رقص وادار کرده!

ببینید انتخاب مجتبی خامنه‌ای به این خاطر نیست که حکومتی‌ها فکر می‌کنند کسی مثل روحانی یا خاتمی دوم روی کار می‌آید. بلکه همانطور که توضیح دادم به این خاطر است که موقعیت بیت رهبری را حفظ می‌کند. می‌خواهند این جابه‌جایی در زمان حیات خامنه‌ای صورت بگیرد تا از تنش‌هایی که ممکن است بعد از مرگ خامنه‌ای رخ بدهد جلوگیری کنند. به نظر من در این مورد اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان اجماع دارند چون همه می‌دانند بدون ولی فقیه مورد تأیید کل حکومت، مردم در را از پاشنه در خواهند آورد. و چیزی برای حکومت باقی نخواهند گذاشت. اینها تا امروز دیکتاتوری‌شان را با قدرت ولی فقیه تحمیل کرده‌اند؛ این امر باید در قامت فقیه بعدی ادامه پیدا کند و یک رکن این ادامه‌کاری تداوم خاندان خامنه‌ای است. تنها به این ترتیب می‌تواند سلسله‌مراتب و هرم قدرت کنونی حفظ بشود.

به نظر من کل این تشبیهات دست‌وپازدن‌های یک حکومت به بن‌بست رسیده است. استراتژی جدیدی برای نجات حکومت وجود ندارد. حتی در حدی که بتواند چند سال به عمر حکومت اضافه کند. اینها آخرین تلاش‌های حکومتی است که از هر جهت، از نظر اقتصادی از نظر سیاست خارجی، از نظر سیاست داخلی، به آخر خط رسیده است.

ببینید مردم از زمان خیزش‌های ۹۶ و ۹۸ حتی قبل از آن، و مشخصاً از مقطع ۱۴۰۱ با قاتلین خودشان رودرو شده‌اند. مردم این حکومت را نه دولت بلکه قاتل خود می‌دانند. قاتل نداها و مهساها و نیکها و آرمیتاها و صدها انسان شریف دیگر. جنبش دادخواهی یاد این عزیزان را زنده نگه داشته و مردم آنها را هرگز فراموش نمی‌کنند. تنها در دو سال اخیر این حکومت بروی مردم تیغ کشیده است، هزاران نفر را دستگیر کرده، صدها نفر را کشته، به چشم‌ها شلیک کرده، دختران دانش‌آموز را مسموم کرده، و هر جنایتی که تصورش را هم نمی‌توانید بکنید را این حکومت مرتکب شده است. جامعه این فجایع را فراموش نخواهد کرد. بحث بر سر این نیست که جامعه‌ای می‌خواهد حکومتی را عوض کند، بلکه جامعه‌ای می‌خواهد از شر قاتلین خودش رها بشود. ما بارها تأکید کرده‌ایم جمهوری اسلامی حکومت ایران نیست، قاتل مردم ایران است. ما همیشه این را خطاب به دولت‌های غربی و نهادهای بین‌المللی تأکید می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم حکومت جانان حاکم بر ایران را بایکوت کنند.

مردم ایران بهتر از هر کسی، بخصوص در دو سال اخیر، این واقعیت را لمس کرده‌اند و تجربه کرده‌اند. خامنه‌ای و پسرش و سران سپاه و مقامات و مجلس و قوه قضائیه و غیره همه قاتلین مردم ایران هستند که نه تنها باید سرنگون بشوند بلکه باید محاکمه بشوند و به سزای جنایاتشان برسند. این خواست توده مردم ایران است و این نوع مانورهای حکومتی تا جایی که به رابطه مردم با حکومت برمی‌گردد نه تنها دردی از جمهوری اسلامی دوا نخواهد کرد بلکه تأثیر معکوس دارد یعنی مردم را جری‌تر و خشمگین‌تر و در مبارزه‌شان علیه جمهوری اسلامی استوارتر می‌کند.

حسن صالحی: جمهوری اسلامی حکومت تبهکاران است. حکومت باندهای مختلف مافیایی است. ما داریم از یک چرخش سیاسی صحبت می‌کنیم که قرار است در بالا اتفاق بیفتد. باوجود این باندهای مافیایی امکان اینکه تنش‌های داخلی حکومت بالا بگیرد و حتی شاهد کودتا و ضد کودتا باشیم چقدر هست؟

حمید تقوایی: به نظر من این امکان وجود دارد و بعد از مرگ خامنه‌ای بیشتر هم خواهد شد. ممکن است باوجود خامنه‌ای اتوریته پسرش را قبول کنند ولی معلوم نیست بعد از مرگ خامنه‌ای به ولی فقیه تازه وفادار باشند. بینید مسئله میلیاردها دلار مطرح است. مسئله سهم باندهای حکومتی از قدرت و ثروت مطرح است. اجماع این باندهای مافیایی بر سر یک فرد برای حفظ انسجام درونی خود حکومت حیاتی است. هر کدام اهرم‌های اقتصادی و سیاسی و حتی نیروهای مسلح وفادار به خودشان را دارند، ارتباطات و مناسبت درونی خودشان را دارند و اگر این اجماع نباشد ممکن است به جان هم بیفتند. این تنش‌ها حتی ممکن است شکل کودتا و ضدکودتا به خود بگیرد. به نظرم این احتمال کم نیست. اینجا هم عاملی که می‌تواند این سناریوی سپاه را جواب بدهد قدرت مردم و حضور مردم در خیابان‌ها است. این می‌تواند اوضاع را کاملاً به نفع مردم عوض کند.

حسن صالحی: شما در مورد نقش مردم مشروحاً صحبت کردید. مردم به‌طور قطع نظاره‌گر نخواهند بود. همیشه همین‌طور بوده. معمولاً جابه‌جایی در قدرت و تشنه‌ها و شکاف‌هایی که در بالا به وجود می‌آید فرجه‌ای را برای عرض اندام مردم ایجاد می‌کند. سؤال من این است که در مقابله با این سناریوهای مختلفی که بر شمریدیم مردم مشخصاً چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟

حمید تقوایی: شعار مردم این است که ما جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم و می‌رویم تا سرنگونی. فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی. ایستاده‌ایم تا پایان. این شعارها شعارهای در واقع استراتژیک مردم است. مردم می‌گویند این جنگ بر سر این یا آن مطالبه نیست، بلکه مبارزه‌ای بر سر سرنگونی حکومت است. و رکن حکومت هم خامنه‌ای و بیت رهبری و مافیای اقتصادی و دار و دسته‌های سپاه هستند. مانورها و تغییر سیاست‌های این دار و دسته‌ها را مردم به درست به حساب قدرت خودشان می‌گذارند. حتی در نزد جهانیان، رسانه‌ها و افکار عمومی و دولت‌های و رسانه‌های جهانی جنگ مردم با جمهوری اسلامی و انقلاب زن زندگی آزادی به‌عنوان اولین انقلاب زنانه تاریخ جایگاه ویژه‌ای یافته است. اعتراضات مردم ایران یک نیروی واقعی و مؤثر در سطح جهانی است. این را مردم جهان فهمیده‌اند و دولت‌ها مجبور شده‌اند در سیاست‌های خودشان این نیرو را به حساب بیاورند. مردم ولی می‌دانند که این دولت‌ها نیستند که تعیین تکلیف می‌کنند. مردم این را دیده‌اند که هر زمان مبارزاتشان اوج می‌گیرد رسانه‌ها و دولت‌های غربی هم سر لطف می‌آیند، مبارزات را گزارش می‌کنند و مورد حمایت قرار می‌دهند، ولی وقتی مبارزات فروکش می‌کند به همان سیاست کج دار و مریز و مماشاتشان با جمهوری اسلامی بازی کردند. این را دیگر در این دو ساله به‌روشنی همه دیده‌اند. از این رو مردم به این نتیجه رسیده‌اند که باید به نیروی مستقل خودمان متکی شویم. و هرچه بیشتر در مبارزاتمان به‌پیش

خامنه‌ای در آخر خط

از صفحه ۵

هست که جمهوری اسلامی در جهان منزوی‌تر خواهد شد و این نوع تلاش‌ها برای جانشینی سازی و غیره و غیره هم نقش برآب خواهد شد و به ضرر خود حکومت تمام خواهد شد. ببینید رژیم با همه سناریوهایی که در سر می‌پروراند هنوز نمی‌داند جواب گرانی‌های نجومی را چطور باید بدهد، جواب قطع برق را چطور بدهد، حقوق بخور نمیر مردم را چطور تأمین کند که شورش گرسنگان به سرش هوار نشود. رژیم برای هیچ یک از این مسائل پایه‌ای جواب ندارد. شما به بن سلمان ولیعهد عربستان اشاره کردید. به نظر من اینها نمی‌توانند حتی به رفرم‌هایی در همان سطح میلیمتری اصلاحات بن سلمان تن بدهند. اینها حتی نمی‌توانند از حجاب کوتاه بیایند چه برسد به اینکه حق مسافرت و حق طلاق و حق کار و حقوق دیگر را برای زنان به رسمیت بشناسند. و یا آپارتاید جنسیتی را کنار بگذارند. تا وقتی که رژیم برای مسائل پایه‌ای مردم جواب ندارد اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه همچنان علیه کل این حکومت به پیش می‌رود. این نیروی مردم فاکتوری هست که همه چیز را در آینده ایران رقم خواهد زد.

حسن صالحی: این شعار مردم را هم فراموش نکنیم که خامنه‌ای قاتله ولایتش باطله!

حمید تقوایی: البته این شعار در مورد پسرش هم صدق می‌کند!

۲ آذر ۱۴۰۳، ۲۲ نوامبر ۲۰۲۴

برویم، اولاً بحران بالائی‌ها بیشتر می‌شود و همین تقلاهایشان برای رهبری سازی و دورکردن خامنه‌ای از تیررس اعتراضات بیشتر می‌شود و ثانیاً تعرض و مخالفت دولت‌های غربی علیه جمهوری اسلامی بالا می‌گیرد و هر دولتی برای حفظ منافع خودش هم که شده از جمهوری اسلامی فاصله می‌گیرد چون می‌داند در غیر این صورت با نفرت و انزجار توده مردم ایران مواجه خواهند شد. این محاسبات را دولت‌ها و به اصطلاح بالائی‌ها در دیپلماسی و روابط خود با جمهوری اسلامی لحاظ می‌کنند؛ بر این مبنا که خود مردم ایران کجا ایستاده‌اند و چقدر بحران داخلی جمهوری اسلامی گریبان‌شان را گرفته است. هرچقدر این بحران داخلی، یعنی جنگ حکومت با مردم، به نفع مردم پیش برود، به همان اندازه دولت‌ها هم از جمهوری اسلامی فاصله خواهند گرفت و از او دورتر خواهند شد.

این سیاست و این استراتژی تقویت و برجسته کردن فاکتور مردم خطی است که حزب ما دنبال می‌کند و به نظر من هر نیروی انقلابی هم باید همین جهت‌گیری را داشته باشد. ما تلاش می‌کنیم که مردم به قدرت متحد و متشکل خودشان، و بر سر مسائل واقعی خود جامعه ایران، رژیم را تحت فشار بگذارند، به چالش بکشند و تعرض کنند. در این صورت



زنده‌باد انقلاب انسانی برای زندگی انسانی!

دیگر نمی‌پذیریم که یک اقلیت مفت‌خور و بی‌منطق و بی‌خاصیت بر ما حکومت کند. در این جامعه دیگر جایی برای تحمیل دیکتاتوری و مفت‌خوری و اختلاس و فساد و حاکمیت قوانین مذهبی و اسلامی نیست. انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی شکل و تحزب و اعتصاب، یعنی حق بی‌چون و چرای تگ‌تگ شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شؤونات اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کم و کاست ما با ادامه انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای نمونه‌وار و آزاد را برپا خواهیم کرد.

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

حزب کمونیست کارگری ایران

خشونت اسلامی و حکومتی علیه زنان به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان



محسن ابراهیمی

رکن اساسی خشونت علیه زنان در دوران معاصر بسیار فراتر از فرهنگ مردسالارانه است. سیاسی و مذهبی است. اسلامی و حکومتی است. دقیقاً به همین دلیل مبارزه با خشونت علیه زنان هم دیگر صرفاً نمی‌تواند فرهنگی باشد. بلکه باید سیاسی و ضدمذهبی باشد. و به طور مشخص علیه اسلام سیاسی، جریان اسلامی، باندهای اسلامی فعال در گوشه‌وکنار جهان، مافیاهای اسلامی هر جا قدرت دارند مثل طالبان در افغانستان و مشخصاً علیه حکومت اسلامی در ایران باشد.

می‌دانیم که مذهب، هر جایی توانسته جولان دهد، رسماً و علناً به همه جلوه‌های آزادی و حرمت زن تجاوز کرده است. می‌دانیم که در طول تاریخ مخصوصاً ادیان توحیدی ضدیت با زن را از هم یاد گرفته‌اند و هر کدام نسبت به قبلی درافزوده‌های حیرت‌انگیزی داشته‌اند. اما لازم نیست به تاریخ دورتر مراجعه کنیم تا از عمق کثافت مذهب علیه زنان تصویری روشن داشته باشیم. لازم نیست به قساوت هولناک دستگاه کلیسا علیه زنان در قرون وسطی مراجعه کنیم. آن تاریخ امروز مقابل چشمان هراسان میلیون‌ها زن، توسط طالبان در افغانستان و جمهوری اسلامی در ایران سازمان‌یافته اجرا می‌شود. دو تجربه‌ای که چشم جهانیان را به این حقیقت باز کرده است که مذهب و امروز مشخصاً اسلام هر جا دست بالا پیدا کند چه جهنمی می‌تواند علیه زنان برپا کند.

در دنیای بعد از جمهوری اسلامی و طالبان و داعش نمی‌توان درباره روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان حرف زد و پای این جانوران هار ضد زن و اسلامشان و قمه‌چرخانی‌هایشان و حاکمیتشان را به میان نکشید. نمی‌توان در باره مبارزه با خشونت علیه زن حرف زد و برای رهایی از جنبش اسلامی، اسلام سیاسی و طالبان و جمهوری اسلامی راهکاری ارائه نداد.

امروز ما با خشونت سازمان‌یافته حکومتی و اسلامی علیه زنان مواجه هستیم. با عروج اسلام

سیاسی به قدرت در ایران با آپارتاید جنسی. و جنسیتی علنی و رسمی و حکومتی مواجه هستیم. در قالب حکومت اسلامی ما با آپارتاید جنسی. و جنسیتی مواجه هستیم که به قانون تبدیل شده است. با حکومتی مواجه هستیم که برای تجاوز و جنایت علیه زنان مجازات اسلامی تصویب کرده است. در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی رسماً جواز قتل زنان را صادر کرده است. برای قتل زنان "با انگیزه شرافتمندانه حفاظت از ناموس" حاشیه امنی درست کرده است. امروز ما با هر خشونت و قتل زنان با انگیزه ناموس‌پرستانه باید سراغ حکومتی برویم که آلت قتاله را تیز کرده و به دست قاتل داده است و برایش حاشیه امنی قانونی درست کرده است.

داستان غم‌انگیز و درعین حال نفرت‌انگیز قتل رومینا اشرفی یادتان هست؟ آن پدر بیش از اینکه داس مرگ را بر بالای سر دختری گناهش ببرد، مشورت اسلامی و "حقوقی" می‌گیرد و خیالش راحت می‌شود که بر طبق قوانین اسلامی و نظم قضایی جنایت‌بار حاکم می‌تواند با خونسردی تمام داس مرگ اسلامی را بر گوی دختری گناه فرود آورد! رومینا فقط یک نمونه از صدها زن است که توسط عناصر امنیتی و نظامی و سپاهی مورد تجاوز قرار

همین اول مطلب می‌خواهم روشن و صریح بگویم اگر چه فرهنگ مردسالارانه و ناموس‌پرستانه در خشونت علیه زنان قدمت تاریخی دارد و همین امروز هم ادامه دارد، اما در جهان معاصر، خشونت علیه زنان، اساساً اسلامی و حکومتی است و مبارزه برای پایان دادن به این جنایت تاریخی هم اساساً در گرو مبارزه علیه جریان اسلامی و مشخصاً و مخصوصاً جمهوری اسلامی و پایان دادن به این تجسم حکومتی جنایت علیه زنان است. کسانی که فرهنگ و آگاهگری فرهنگی را برجسته می‌کنند، یا ریگی در کفش دارند و یا در بهترین حالت متوجه این حقیقت سیاسی نیستند که امروز رکن جنایت علیه زنان، اسلامی و نیروهای اسلامی و حکومت اسلامی است. این تز اصلی مطلب پیش رو است.

کوتاه و تاریخی

سال ۱۹۶۰ چهارخواهر به دست نیروهای امنیتی دیکتاتور دومینیکن به نام رافائل تروخیو دستگیر می‌شوند، ماه‌ها شکنجه و مورد تجاوز قرار می‌گیرند و سرانجام در ۲۵ نوامبر همان سال، سه نفر از این خواهران زیر شکنجه کشته می‌شوند و ۳۹ سال بعد شورای عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۹ این روز را به عنوان روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان تصویب می‌کند. از همان زمان، کمیته‌ی تحت عنوان "۱۶ روز نارنجی" آغاز شده است که هر سال از ۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان آغاز و تا ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر. ادامه دارد. می‌توان تصور کرد که زنان و مردان افغانستان و ایران چه سهم بزرگی در این ۱۶ روز نارنجی برای جلب همبستگی جهانی برای مبارزه با خشونت علیه زنان می‌توانند ایفا کنند.

خواهران میرابال و انقلاب زن زندگی آزادی ۶۴ سال بعد

از قتل فجیع خواهران میرابال ۶۴ سال گذشته است. خواهران میرابال را به جرم مبارزه علیه دیکتاتوری به قتل رساندند. در این مدت خشونت علیه زنان ابعاد و قالب‌های جدیدی گرفته است. و به این اعتبار، مقابله و مبارزه با خشونت علیه زنان هم الزاماً ابعاد و قالب‌های جدیدی به خود گرفته است.

مردسالاری و فرهنگ ناموس‌پرستانه، خشونت علیه زنان برای "پاسداری از ناموس" سابقه طولانی دارد. فرهنگ ناموس‌پرستانه و مردسالارانه حتماً یک رکن تاریخی خشونت علیه زنان بوده و هنوز هم ادامه دارد. و به این اعتبار، فرهنگ‌سازی علیه فرهنگ مردسالارانه و اسلامی هم همیشه لازم است. اما در جهان معاصر، هم تبیین فرهنگی خشونت علیه زنان و هم آگاهگری فرهنگی به‌مثابه راهکار مقابله و پایان دادن به این خشونت، آگاهانه یا ناآگاهانه آدرس غلط دادن در باره یکی از سازمان‌یافته‌ترین جنایت‌ها علیه زنان است.

بی‌تردید فرهنگ مردسالارانه هنوز هم در جنایت علیه زنان نقش دارد اما

خشونت اسلامی و حکومتی علیه زنان

از صفحه ۷

گرفته‌اند و بعضاً حتی ارتقای مقام یافته‌اند. و همه اینها فقط نمونه‌هایی هستند از ابعاد سازمان‌یافته‌تر قتل حکومتی زنان و دختران معترض به حجاب اجباری در خیابان‌ها، تجاوز در زندان‌ها، و...

در قاموس اسلامی و حکومت‌ها و مافیاهای مبتنی بر این ایدئولوژی تا مغز استخوان ضد زن اسلامی، دیگر لازم نیست مثل خواهران میرابال، در مبارزه علیه دیکتاتوری سیاسی رافائل تروخیو فعال باشی تا زیر شکنجه کشته شوی. وجود زن، صدای زن، تن و بدن زن، موی زن به اندازه کافی جواز خشونت علیه زن را تأمین می‌کند!

پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی، رکن اصلی مبارزه با خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان در دنیای معاصر اساساً خشونت اسلامی و حکومتی سازمان‌یافته است که مافیای طالبان از یکطرف و مافیای سازمان‌یافته‌تر جمهوری اسلامی از طرف دیگر دو تجسم خونین آن هستند. به این اعتبار، رکن اصلی مبارزه برای پایان دادن به خشونت علیه زنان هم قبل از هر چیز باید تکلیف حکومتی را تعیین کند که در ایران حاکم است. جمهوری اسلامی در این میان باید هدف اصلی باشد. باید مافیای ضد زن حاکم در ایران را در هم شکست و قوانینشان را به زیاله‌دان پرتاب کرد و سرانش را دستگیر و محاکمه کرد. این مهم‌ترین گام برای پایان دادن به خشونت سازمان‌یافته اسلامی و حکومتی علیه زنان است. هر پیشروی در این گام مهم، مسیر تعیین تکلیف با همتایان طالبانی‌اش در افغانستان توسط زنان و مردان جسور افغانستان را هم هموار خواهد کرد. وی تردید حتی به خشونت علیه زنان در گوشه‌کنار جهان ضربات سنگینی وارد خواهد کرد. می‌توان تصور کرد دنیای بدون زامبی‌های آدم‌خوار طالبان و جمهوری اسلامی چقدر می‌تواند نه‌تنها زنان در افغانستان و ایران را نجات دهد بلکه حتی زنان در سراسر جهان را در موقعیت بهتری برای مقابله با خشونت مردسالارانه و مذهب و حکومتی قرار دهد.

در روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، فرصتی مهم برای همبستگی جهانی

بعد از اعلام روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، کمپینی با عنوان "۱۶ روزهای نارنجی" آغاز شده است که هر سال از ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان آغاز و تا ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر ادامه دارد.

این ۱۶ روز فرصت بسیار خوبی است برای جلب توجه و همبستگی با جنبش عظیمی که در ایران علیه خشونت اسلامی و حکومتی علیه زنان جریان دارد. در ایران، ده‌ها جنبش و اعتراض علیه انواع تبعیضات و حق‌کشی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و ستم‌ها در جریان است. در پلاکاردها و شعارهای همه این اعتراضات می‌توانیم و باید علناً علیه خشونت اسلامی و حکومتی بر زنان، علیه آپارتاید جنسی. و جنسیتی علیه زنان صدایمان را بلند کنیم. سایکوپت‌های ضدزن اسلامی حاکم هر طرف سرشان را می‌چرخانند باید با مردمی مواجه شوند که در کنار مبارزه زنان علیه خشونت اسلامی و حکومتی هستند.

در سطح جهان، به یمن انقلاب زن زندگی آزادی افکار عمومی جهان متوجه شده‌اند که تصویر مقامات و رسانه‌های حکومتی‌شان در باره ایران تماماً بی‌پایه بوده است. متوجه شده‌اند که تصویر وزرا و وکلا و رسانه‌هایشان در باره مردم ایران و فرهنگ مردم ایران هیچ‌چیز نبوده است جز توجیه ریاکارانه و رذیلت‌نشان برای مماشات سیاسی با جمهوری اسلامی. مقامات و رسانه‌هایی که چشمانشان را بر جنایت علیه زنان در ایران می‌بستند و حتی بی‌شرمانه طلبکار هم می‌شدند که خیلی "مدرن" و "مداراگر" هستند و به فرهنگ مردم احترام می‌گذارند و این‌چنین مماشاتشان با جنایت علیه زنان را توجیه می‌کردند. ادعا می‌کردند که احترام

به "نسبیت فرهنگی" راهنماییشان در برخورد به فرهنگ مردم در خاورمیانه و ایران بوده است. ادعا می‌کردند که دارند به فرهنگ اسلامی در آن جوامع احترام می‌گذارند. همان فرهنگی که شارلاتانی به نام محمدجواد ظریف با وقاحت تمام چشم در چشم دوربین‌های رسانه‌های غرب دوخت و گفت که "ما خودمان" انتخاب کرده‌ایم این جواری زندگی کنیم! یعنی خود زنان انتخاب کرده‌اند که از سرتاپا در قفسی به نام حجاب اسلامی خفه شوند، که زندان متحرک حجاب اسلامی برای نصف جمعیت ایران انتخاب "خودمان" یعنی زنان است.

امروز بعد از انقلاب زن زندگی آزادی دیگر معلوم شده است که در ایران سال‌هاست که دو نوع فرهنگ و اخلاقیات و فلسفه زندگی در جریان است. یکی فرهنگ و اخلاقیات و فلسفه زندگی متحجرین پهن مغز اسلامی و دیگری فرهنگ و اخلاقیات و فلسفه زندگی ساریبناها، نیکاه‌ها، رومیناها و صدها گل شکوفای انقلاب زن زندگی آزادی که برای پایان دادن به حیات حکومت اسلامی به قیمت از دست دادن زندگی‌شان مبارزه کردند. مبارزه‌ای که همچنان روشنک‌ها و آهوها و هزاران زن و مرد همراه و متحد، در خیابان و در زندان همچنان باصلابت تمام علیه جانین عمامه‌دار و بی‌عمامه تسبیح به دست ادامه می‌دهند و باشکوه‌ترین نبرد جهانی معاصر برای پایان دادن به خشونت اسلامی علیه زنان را پیش می‌برند.

باتوجه به اینکه امروز حتی در افکار عمومی جهان هم معلوم شده است که پهن مغزهای متحجر اسلامی هدف بزرگ‌ترین مبارزه تاریخی هستند، فضا برای ما آماده‌تر از گذشته است که در دو هفته نارنجی کاری کنیم که دیگر هیچ مقامی در غرب و در جهان جرئت نکند با نظام آپارتاید جنسی مماشات کند. باید کاری کنیم که هر مقامی در کشورهای مختلف و دول غرب احساس کنند که مماشاتشان با جمهوری اسلامی چیزی نیست جز همسویی و شریک جرم بودن با یک رژیم آپارتاید جنسی. و جنسیتی در ایران، با خشونت سازمان‌یافته و حکومتی علیه زنان.

برای مقابله با خشونت سازمان‌یافته اسلامی علیه زنان در دنیای معاصر، انقلابی بسیار قدرتمندتر از انقلاب فرانسه لازم است. برای مقابله با خشونت دنیای معاصر علیه زنان، پیروزی انقلابی به بزرگ انقلاب "زن، زندگی، آزادی" ضروری است. انقلابی که آغاز شده است. انقلابی که نوجوانان و جوانانش در قامت ولترهای عصر. روشنگری نقش ایفا می‌کنند.

پروانه‌ها در ایران

زندگی، مبارزه و قتل "خواهران میرابال" موضوع رمان‌ها و فیلم‌ها شد. خولیا آوارز رمانی به اسم "در زمانه پروانه‌ها" را خلق کرد. ماریانو باروسو فیلمی بر اساس این رمان کارگردانی کرد. کتاب‌ها و رمان‌ها و شعرهای دیگری بر اساس زندگی و مبارزه "خواهران میرابال" نوشته و سروده شد. چقدر خوب که انسان‌های شریفی پیدا شدند و اجازه ندادند یک جنایت علیه زنان مبارز علیه دیکتاتوری در دومینیک فراموش شود. اما تصور کنید چه تعداد رمان باید نوشته شود، چه تعداد شعر باید سروده شود، چه تعداد فیلم باید ساخته شود تا بتواند تصویری از یکی از جسورانه‌ترین، باشکوه‌ترین و زیباترین مبارزات قرن ۲۱ علیه یکی از رذیلت‌نانه‌ترین، حقیرترین، زشت‌ترین و هولناک‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین جنایت حکومتی و اسلامی علیه زنان را به تصویر بکشد!

۲۲ نوامبر ۲۰۲۴

STOP
VIOLENCE
AGAINST
WOMEN

جنبش اعتراضی با قدرت جریان دارد

سؤال از شهلا دانشفر



انترناسیونال: مدت‌ها است که شاهد اعتراضات روتین بخش‌های مختلف جامعه و مشخصاً بازنشستگان هستیم. اعتراضاتی که نشانه فضای اعتراضی کل جامعه هستند. آیا ادامه این روند برای ماه‌های متمادی و تلاش حکومت برای فرسایشی کردن آن توانسته از تأثیرات آن بکاهد؟

شهلا دانشفر: اعتراضات بازنشستگان، کارگران نفت، پرستاران، افراد دارای معلولیت و کشاورزان همه از شرایط غیرقابل تحمل زندگی آنها نشئت می‌گیرد. از فشارهای سنگین معیشتی، کاری و فضای امنیتی و امثال اینها. ما امروز با جنبشی گسترده و قدرتمند بر سر معیشت و رفاه از سوی بخش‌های وسیع کارگری و بخش‌های مختلف جامعه روبرو هستیم. و بازنشستگان یک کانون داغ این اعتراضات هستند. طبعاً یک تلاش حکومت همواره وعدووعید دادن و در انتظار نگه داشتن و به فرسودگی کشاندن مبارزات است. اما فضای سرنگونی و انقلابی جامعه و خشم عمیق از پاسخ نگرفتن خواست‌های بسیار برحق و منطقی، اعتراضات را گسترش داده و همه این تلاش‌ها را پوچ و بی‌معنا کرده است.

گسترده‌گی دامنه اعتراضات، روند سراسری‌تر شدن آنها و افزوده شدن هر روزه بر جمعیت شرکت‌کننده در این اعتراضات، گرمابخش اعتراضات مردمی در کف خیابان است و این برای مردم امیدبخش است. عکس‌العمل‌های گیج و متناقض سران حکومت نسبت به اعتراض و خواست‌های بازنشستگان و کارگران نشان می‌دهد که اتفاقاً این حکومت است که در برابر این ابعاد از مبارزه هر روز فرسوده‌تر و هراسش از انفجاری شدن جامعه و سرریز کردن قدرتمندتر انقلاب بیشتر می‌شود. حکومت تلاش‌های بسیاری برای عقب راندن و یا محدود کردن دامنه اعتراضات کرده و می‌کند. و همین خود نشان می‌دهد که چقدر از این اعتراضات وحشت دارد و به لرزه افتاده است.

برای مثال به اعتراضات بخش‌های مختلف کارگری و مردم در سطح جامعه در همین روزهای اخیر نگاه کنید و ببینید چه خبر است. به جرئت می‌توان گفت که هزاران نفر در این تجمعات شرکت می‌کنند. از جمله ما تجمع اعتراضی بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۰ را در روزهای سی‌ام و بیست و ششم آبان در مقابل مجلس اسلامی و دفتر ریاست جمهوری را داشتیم که هزاران نفر در آن شرکت داشتند.

ما تجمعات بازنشستگان نفت در روزهای سی‌ام و بیست و هفتم آبان‌ماه را در برابر ساختمان "شرکت ملی نفت ایران" در تهران و نیز در اهواز را داشتیم که باز جمعیت قابل‌توجهی در آنها شرکت داشتند. به علاوه اینکه در کرمانشاه بازنشستگان کشوری در همراهی با بخش‌های دیگر بازنشستگان در بیست و نهم آبان تجمع اعتراضی بر پا کردند و بازنشستگان مخابرات و تأمین اجتماعی و فولاد به روال همیشه در روزهای بیست و هشتم و بیست و هفتم در شهرهای مختلفی تجمع داشته و پیگیر مطالباتشان شدند. همچنین در همان روز بیست و هشتم آبان‌ماه بود که جمعیت بزرگی از افراد دارای معلولیت و خانواده‌هایشان در مقابل مجلس اسلامی تجمع کرده و با فریاد: "معیشت شایسته حق مسلم ماست" صدای اعتراض خود را به فقر معیشتی و درمانی بلند کردند.

بگذریم که در کنار همه این اتفاقات اعتراضات گسترده و سراسری پرستاران که بازتابی وسیع در جامعه داشته است و تجمعات اعتراضی کارگران نفت در پالایشگاه‌های مختلف پارس جنوبی، کشاورزان در اصفهان و دیگر بخش‌های کارگری و مردمی انجام گرفته است.

در عین حال شعارهای اعتراضی و مضمون بزهایی که تجمع‌کنندگان معترض در این اعتراضات به دست داشتند به روشنی فضای تعرضی و رادیکال مبارزاتی در سطح جامعه را بازتاب می‌دهد. بزهایی با مضامین "معیشت منزلت حق مسلم ماست"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "کشوری، تأمین اجتماعی، مخابرات، فولادی، اتحاد اتحاد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد" نمونه‌های قابل‌توجهی از آنها بودند.

در این اعتراضات بازنشستگان نفت با فریاد: "شاغلین، بازنشستگان اتحاد اتحاد" بار دیگر پرچم اتحاد سراسری کارگری را برافراشتند. در تجمعات بخش‌های دیگر بازنشستگان نیز شعارهایی چون "تجمع اعتراض حق مسلم ماست"، "جنگ افروزی کافی، سفره ما خالیه"، "اختلاس نجومی، فلاکت عمومی"، "روسری را رها کن، فکر به حال ما کن" و فریاد "آهو دریایی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" بازتاب‌دهنده اعتراض کل جامعه هستند. جامعه‌ای که در آن مردم در اعتراضات هر روزه خود به اشکال مختلف تداوم انقلاب را فریاد می‌زنند و بازنشسته با فریاد "فقط کف خیابان به دست میاد حقمون" صدای اعتراض جامعه‌ای را نمایندگی می‌کند که ایستاده است و کوتاه نمی‌آید.

بنابراین، امروز در رابطه با آنچه که در ایران می‌گذرد و یا مشخصاً اعتراضات بازنشستگان بحث بسیار فراتر از این است که حکومت چه نقشه‌های شومی برای عقب زدن مبارزات مردم در سر می‌پروراند. مردم پاسخ حکومت را با اعتراضاتشان در کف خیابان می‌دهند و با مبارزات هر روزه‌شان در جستجوی راه به پیروزی رساندن انقلابشان هستند.

روشن است که جمهوری اسلامی برای عقب زدن فضای انقلابی جامعه تلاش بسیاری کرد. از جمله با ددمنشی بسیار بر شمار اعدام‌ها افزود و بر سرکوبگری‌هایش شدت داد. سعی کرد در پرتو جنگ‌افروزی‌هایش بر سرکوبگرها و تعرضات معیشتی‌اش به جامعه شدت دهد. اما جامعه ایستاد و کارگر، پرستار، بازنشسته، دانشجو و بخش‌های مختلف جامعه با شعار "جنگ افروزی را رها کن فکری به حال ما کن"، "نه تهدید، نه زندان"، "نه اعدام نیست جلودار ما" و با گسترش اعتراضاتشان جواب محکمی به آن دادند. از جمله کاری کردند که حکومت ناگزیر به لغو حکم اعدام شریفه محمدی شد و این جدالی است که ادامه دارد.

حکومت برای پس گرفتن سنگر فتح شده حجاب، زنان را مورد حملات وحشیانه‌ای قرار داد. اما بازنشسته و کارگر معترض با فریاد "روسری را رها کن فکری به حال ما کن" پاسخ محکمی دادند. و در برابر این تعرضات ما شاهد اعتراض عریان آهو دریایی بودیم. حرکتی تاریخی که کل بساط آپارتاید جنسی حاکم را به چالش کشید. و وقتی مورد تعرض حکومت قرار گرفت جامعه او را در آغوش گرفت و شعار "آهو دریایی آزاد باید گردد" شعار اعتراضی بازنشستگان و شعار جوانان بر روی دیوارهاست.

از سوی دیگر وضعیت اقتصادی به شدت

بحرانی و فلج حکومت تأثیر مستقیم خود را

جمهوری اسلامی در منگنه فشار جهانی از صفحه نخست

قطعه‌نامه در مورد جنبش بر سر معیشت و رفاه از صفحه ۲

حذف پیمانکاران از محیط‌های کار و حقوق پایه برای همه شهروندان خواست‌های مشخص و عرصه‌های مهم مبارزاتی همین امروز جنبش بر سر معیشت است.

بازنشستگان، کارگران، معلمان و پرستاران بخش سازمان یافته اعتراضات بر سر معیشت‌اند و می‌توانند با تقویت این جنبه از مبارزات و برافراشتن پرچم این مطالبات نقش مهمی در متحد کردن و به میدان آوردن ده‌ها میلیون مردم محرومی که به شدیدترین فقر و فلاکت رانده شده‌اند ایفا کنند و جنبش عظیمی را علیه شرایط مشقت‌بار کنونی به راه‌اندازند.

ج- مقابله با سرکوبگری‌های حکومت با خواست پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، بسته شدن تمام پرونده‌های امنیتی و آزادی همه زندانیان سیاسی، و لغو فوری مجازات اعدام، توقف اعدام‌ها و لغو احکام صادر شده اعدام می‌تواند و باید بیش از پیش در جنبش معیشت گسترش یابد.

د- جنبش بر سر معیشت و رفاه هم ظرفیت رفتن به سوی اعتصابات سراسری را دارد و هم با تحرک وسیع میدانی خود می‌تواند بر گسترش و تقویت تجمعات و اعتراضات در کف خیابان تأثیر مستقیم بگذارد. رفتن به سمت اعتصابات سراسری و فراگیری می‌تواند و باید آگاهانه در چشم‌انداز جنبش کنونی قرار گیرد. اعتصابات سراسری معلمان، کارگران نفت و دیگر بخش‌های کارگری، پرستاران و هماهنگی سراسری بازنشستگان با این بخش‌ها باید در دستور کار رهبران جنبش‌های اعتراضی و کلاً جنبش بر سر معیشت قرار گیرد.

ه- مضمون و جهت‌گیری رادیکال و سیاسی جنبش معیشت، اهمیت زیادی در اوضاع سیاسی کنونی در کشور دارد و یک سنگر مهم به جریان افتادن گفتمان‌ها و سیاست‌های رادیکال و انسانی، و اهرم مهمی در خنثی کردن توطئه‌گری‌ها از بالای سر مردم است. تقویت و تعمیق این جهت را باید فعالانه در دستور گذاشت.

و- گسترش اعتراضات و تجمعات و اعتصابات بخش‌های مختلف مردم بر سر معیشت در فضای سیاسی و انقلابی جامعه بسیار مهم و حیاتی است و پاسخ مؤثری به سرکوب و اعدام و جنگ‌افروزی‌های حکومت است و ظرفیت بسیج جامعه در این عرصه‌ها و در این ابعاد را نیز دارد. حزب بخش‌های مختلف کارگری و همه مردم معترض جامعه را به همراهی با این جنبش و تقویت و گسترش مبارزات بر سر معیشت حول خواست‌های سراسری و علیه تعرضات حکومت فرامی‌خواند.*

حماس و همچنین کمک‌رسانی حکومت اسلامی به روسیه در جنگ با اوکراین و تداوم برنامه اتمی حکومت با افزایش ذخایر غنی‌سازی اورانیوم با غلظت بیش از ۶۰ درصد، دولت‌های غربی را به این نتیجه رسانده است که سیاست سخت‌گیرانه‌تری را در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ کنند.

تا آنجا که به مردم ایران بر می‌گردد بسته شدن سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی و قطع رابطه سیاسی و دیپلماتیک با این رژیم که در چهل و پنج سال گذشته خون مردم را در شیشه کرده است یک خواست مهم آنها بوده است. در جریان انقلاب زن زندگی آزادی این خواست به کرات در اعتراضات به‌خصوص در خارج کشور تکرار شد و در ابعاد صدها هزار نفری مردم پتیشن‌های آنلاینی با این خواست را امضا کردند. از سوی دیگر مطالبه قرار گرفتن سپاه پاسداران در لیست نیروهای تروریستی خواست دیگری بود که از دل انقلاب زن زندگی آزادی بیرون آمد که مورد تأیید پارلمان اتحادیه اروپا قرار گرفت و البته دولت‌های بیشتری در شورای وزیران اتحادیه اروپا این مطالبه را مورد حمایت قرار می‌دهند. همچنین باید گفت که مردم ایران نه فقط در کمک پهبادی جمهوری اسلامی به روسیه هیچ نفعی ندارند بلکه خواهان خامه‌یافتن این همکاری‌ها که به ضرر مردم اوکراین است هستند. و بالاخره درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی باید گفت که خطر اتمی جمهوری اسلامی یک خطر جدی است که مردم ایران و جهان را تهدید می‌کند. به‌خصوص آنکه اخیراً باندهایی از حکومت رسماً از خامنه‌ای هم خواسته‌اند که تعارف را کنار بگذارد و فرمان اتمی شدن جمهوری اسلامی را رسماً نیز اعلام کند. آرزوی ما البته این است که خلع سلاح هسته‌ای در سطح کل جهان صورت بگیرد و بشر از تهدید هولناک یک جنگ هسته‌ای که عواقب ویرانگری برای جوامع بشری و کره ارض دارد خلاص شود.

آنچه که به طور مبرم در دستور مردم ایران قرار دارد، مقابله با سیاست ترور و سرکوب جمهوری اسلامی علیه مردم ایران، ایستادن در مقابل جنگ‌افروزی‌های حکومت اسلامی و تداوم جنبش انقلابی زن زندگی آزادی برای سرنگونی حکومت تروریستی و جنایت‌کار اسلامی است. انتظار ما از مردم جهان و همه دولت‌های دنیا این است که اگر واقعاً جمهوری اسلامی را تهدیدی برای کل بشریت می‌دانند این حکومت را بایکوت کنند و از مبارزات انقلابی مردم ایران برای دستیابی به آزادی و رفاه حمایت کنند.

آذر ۱۴۰۳

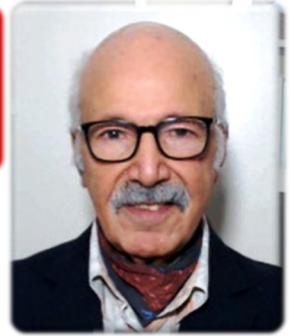
جنبش اعتراضی با قدرت جریان دارد از صفحه ۹

بر وضعیت معیشت و کل جامعه گذاشته است. از جمله برنامه بودجه حکومت برنامه تقویت نیروی انتظامی و تحمیل فلاکت بیشتر بر مردم است. این حکومت حتی برق و آب را هم بر مردم قطع کرده و گرانی‌های روزافزون برای مردم کمرشکن شده است. کارگر می‌داند که مطالبات معیشتی خود را نیز باید در دل جنگ با همین معضلات سراسری حاکم بر جامعه به جلو ببرد و در فضای سیاسی پر تلاطم کنونی، مشکلات فاجعه‌بار معیشتی باروتی بر انبار خشم و نفرت کارگران و کل جامعه است.

بدین ترتیب جمهوری اسلامی به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به شدت تضعیف شده است. در درون خود به شدت درهم‌ریخته

است. اقتصادش فلج و به‌گل‌نشین شده است و به‌ویژه به دنبال شکست سختی که از اسرائیل در منطقه متحمل شده و ضربات سنگینی که بر نیروهای نیابتی‌اش وارد گردیده است، در موقعیت بسیار تضعیف‌شده‌تری قرار دارد. این را خود حکومتیان اذعان دارند و در برابر، مردم خود را در مبارزاتشان قوی‌تر و مصمم‌تر می‌بینند. این پیشروی‌ها به طور واقعی افق روشن‌تری از مبارزه را در مقابل کارگران و بخش‌های مختلف جامعه و به گفته شما به طور مشخص بازنشستگان قرار می‌دهد که آنوقت نه فقط مبارزات آنها به فرسودگی کشیده نمی‌شود بلکه بر اعتراضات آنها سرزندگی و شادابی بیشتری می‌بخشد. به این معنی که کارگر، بازنشسته و مردم این جامعه راهی جز تداوم اعتراضات و انقلاب مقابل خود ندارند. فقط کف خیابان به دست میاد حقان این شعار امروز بازنشسته و در واقع همه مردم است.*

“اتحاد مقدس” علیه زنان و ال جی بی تی کیوها



کازم نیک خواه

“اتحاد مقدس” تاریخاً نام سازمانی بسیار منفور در قرن نوزده بود که پس از سقوط ناپلئون توسط امپراتوران و سلاطین اروپا ایجاد شد و هدفش سرکوب نهضت‌های انقلابی و آزادی‌خواه در اروپا بود. این سازمان در ۱۴ سپتامبر سال ۱۸۱۵ در پاریس رسماً تشکیل شد و در آن تزار روسیه، امپراتور اتریش و پادشاه پروس شرکت جستند (ویکی‌پدیا). دیروز ۲۰ نوامبر ۲۰۲۴ چنین اتحاد متعفن و منفوری میان نیروهای متخاصم، در کنفرانس محیط‌زیست در باکو ابراز وجود کرد.

در کنفرانس جهانی سازمان ملل در مورد محیط‌زیست در باکو (COP29) روز گذشته بحث در مورد به روز کردن سند حمایت از زنان بود که تحت عنوان “سند لیما” ده سال قبل تصویب شده بود. فوراً واتیکان پرچم مخالفت با اصلاح سند مربوط به زنان را بالا برد. عربستان و جمهوری اسلامی و مصر و روسیه نیز با مخالفت واتیکان همراه شدند و آنها نیز با اصلاح سند مربوط به زنان مخالفت کردند. دلیلی که آنها همه اشاره می‌کردند این بود که بحث از مسئله زنان فراتر رفته و وارد عرصه

“جنسیت” شده که پای تغییر جنسیت و همجنس‌گرایی را وسط می‌کشد و این از نظر ما غیرقابل بحث است. اگر ترامپ هم رسماً کارش را شروع کرده بود قطعاً در کنار آنها قرار می‌گرفت.

این دولت‌ها از نظر سیاسی با هم هزار مشکل و خصومت دارند. اما وقتی پای مذهب و سنت‌های ارتجاعی ضد زن و ضد حقوق انسانی به میان می‌آید، کاملاً با هم یکی هستند و فوراً در کنار هم قرار

می‌گیرند و علیه زنان موضع می‌گیرند. از نظر پاپ ال جی بی تی کیوها حق زندگی عادی در جامعه را ندارند و نباید رسماً حقوقی برای آنها به رسمیت شناخته شود. حکومت سعودی و پوتین و ال سیسی. نیز ایضاً از طرح مسئله زنان و مسئله جنسیت به لرزه می‌افتند. کارنامه کلیسا و اسلام در مورد زنان و همجنس‌گرایان سرایا جنایت و نابودسازی وحشیانه است.

مسئله اصلی به طور خلاصه این است که با تغییرات اقلیمی و آب‌وهوایی، زنان لطمت بسیار بیشتری از مردان می‌بینند. موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان به شدت آسیب خواهد دید. زنان در معرض فشارها و آسیب‌های بسیار بیشتری قرار خواهند گرفت. موقعیت شکننده زنان شکننده‌تر از وضعیت موجود که فی‌الحال تبعیض‌آمیز است خواهد شد. مشاغل “زنانه” بیشتر نابود می‌شود. فرصت‌های شغلی مربوط به زنان کمیاب‌تر می‌شود. زنان بیشتر از مردان به آوارگی و بی‌تامینی رانده می‌شوند. بر اساس گزارش زنان سازمان ملل، تا سال ۲۰۲۵۰ شمار زنانی که در معرض ناامنی غذایی ناشی از تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرند نزدیک به ۲۴۰ میلیون افزایش خواهد یافت. این افزایش برای مردان ۱۳۱ میلیون نفر است. اما در همان حال سرمایه‌گذاری روی پروژه‌هایی که زنان را نیز در بر می‌گیرد نزدیک به صفر است و تنها یک‌صدم در صد (۰/۰۱) از بودجه‌های محیط‌زیستی را در بر می‌گیرد. این علی‌رغم این واقعیت است که زنان نیروی اصلی جنبش مقابله با تخریب محیط‌زیست بوده‌اند

و در همه‌جا نقش تعیین‌کننده‌ای در جنبش‌های محیط‌زیستی دارند. اما مشکل جدی‌تر نیروهای ارتجاعی این است که بحث در مورد زنان در دوره کنونی به این سؤال گره‌خورده است که چه کسی. زن است و چه کسی. مرد. مسئله تغییر جنسیت و ازدواج هم‌جنس از نظر واتیکان و اسلام طی قرون و اعصار گناهی نابخشودنی و مستوجب مرگ شناخته می‌شده است و به هیچ‌وجه به رسمیت شناخته نمی‌شد. شمار زنان و مردانی که به جرم آمیزش با هم‌جنس در آتش سوزانده شدند و یا زیر شکنجه‌های وحشیانه به قتل رسیدند، معلوم نیست. اما به‌راستی تکان‌دهنده و بی‌نهایت وسیع است و نشانه‌های این جنایات در همه آثار تاریخی قابل‌مشاهده است. جالب است که از دسامبر سال گذشته واتیکان زیر فشارهای عظیم افکار عمومی ناچار شد ازدواج هم‌جنس‌گرایان و ترنس‌ها را به طور غیررسمی به رسمیت بشناسد و اذیت و آزار و کشتار ال جی بی تی کیوها را ممنوع کند. پاپ هم به کشیشان اجازه داد که در بستن چنین عقده‌هایی شرکت کنند و هم اجازه نداد که این ازدواج‌ها در اسناد کلیسا به رسمیت شناخته شود.

اکنون با مخالفت با مسئله زنان و جنسیت در کنفرانس جهانی محیط‌زیست، هم پاپ و هم دولت‌هایی مثل عربستان و جمهوری اسلامی و مصر. و روسیه نشان می‌دهند که هرچه طی این سال‌ها عقب نشسته‌اند، تنها و تنها زیر فشار مردم بوده است و وقتی پای عمل پیش می‌آید و فشار افکار عمومی را به هر دلیلی کمتر احساس می‌کنند، به همان اصول کثیف و ارتجاعی و جنایت‌کارانه قرون‌وسطایی خود بازگشت می‌کنند. اگر محیط‌زیست دارد تخریب می‌شود و اگر میلیون‌ها زن و مرد و ال جی بی تی کیوها بیشترین



آسیب‌ها را از گرمایش زمین و نابودی محیط‌زیست می‌بینند، کنارزدن چنین موضوعی از دستور کار به معنای سیاست ادامه جنایت علیه زنان و ال جی بی تی کیوها و تحمیل گرسنگی و مرگ به آنهاست. واتیکان و همه این دولت‌ها بیش از هر کسی. این واقعیت را می‌دانند و در عین حال باحرارت تلاش می‌کنند موضوع زنان و جنسیت را زیر فرش کنند و اجازه دهند که آنها با تغییر محیط‌زیست نابود شوند. این ادامه همان سوزاندن همجنس‌گرایان و زنان در آتش و یا اعدام آنها توسط جمهوری اسلامی است که به این شکل پوشیده‌تر دارد خود را نشان می‌دهد.

یک نکته که در آخر قابل‌اشاره است این است که این اتحاد مقدس و نامیمون نیروهای مذهبی در قرن بیست و یکم در وضعیت بسیار شکننده قرار دارد. همچون اتحاد مقدس امپراتوری‌های قرن نوزده که از ترس مرگ و نابودی دست در دست هم داده بودند و جنایت می‌کردند و خیلی زود در برابر انقلابات و خیزش‌های مردمی از هم پاشید، این اتحاد نامیمون و نانوشته کنونی میان واتیکان و حکومت‌های مذهبی ای مثل جمهوری اسلامی نیز مطلقاً قابل‌دوام نیست و همه این نیروها به دوران پایانی خود نزدیک می‌شوند. به‌ویژه جمهوری اسلامی با یک انقلاب بالفعل مواجه است و با سرنگونی این حکومت منفور، بدون هیچ تردیدی ستون ارتجاع در تمام جهان به لرزه مرگ خواهد افتاد. *

وقتی توده‌ها از "روشنفکران" جلو می‌زنند



کیوان جاوید

آخرین و زنده‌ترین نمونه‌ای که خیابان از "روشنفکر" جلو زده است، عمل سنت‌شکنانه و ضد هنجارهای رسمی و رایج، توسط آهو دریایی است. آهو وقتی در روز جمعه ۱۲ آبان در صحن دانشگاه علوم و تحقیقات با لباس زیر ظاهر شد یک عصیان زودگذر را به نمایش گذاشت.

عصیان می‌تواند لحظه‌ای از خشم باشد که حتی منجر به خودکشی شود. آهو در کمال آرامش هدفی را برگزید که در دنیا صدا کرد. این حرکت فراتر از پی‌حجابی است. فقط حتی نمایش اندام بدن عریان یک زن درملاء عام به‌عنوان یک اعتراض سیاسی هم نیست. شکستن همه قواعدی است که در طول تاریخ ایران برای نقش "زن خوب فرمان‌بر و پارسا" به خورد جامعه داده‌اند.

طبق تعاریفی که در کتاب‌ها آمده و به‌نوعی به باور عمومی تبدیل شده، کتاب‌خوان‌ها، سینماگران، نویسندگان، دانشگاهیان و طیف متنوع‌تری از آنها که در لیست روشنفکران قرار می‌گیرند، آموزگاران فرهنگی توده‌های مردم قلمداد می‌شوند و جلوتر از زمانه خود به آینده متفاوت از آن ساختار فرهنگی و سیاسی موجود می‌اندیشند و با تولید آثار روشنفکرانه متفاوت پرچم‌دار فرهنگی جامعه می‌شوند.

این انتظار لااقل در باره طیفی که از آنها به‌عنوان روشنفکر ایرانی یاد می‌شود تا حد زیادی با واقعیت منطبق نیست. "روشنفکر" ایرانی، از نویسنده تا کارگران و شاعر تا دانشگاهی، تحت فشار عمل اجتماعی و رفتار متفاوت مردم در کوچه و خیابان مخصوصاً در جریان خیزش‌های هشت سال گذشته و انقلاب زن زندگی آزادی مجبور شده خود را با جامعه انقلابی تطبیق بدهد و گاهی به جلو برآید. اینکه بخشاً سینماگران و هنرمندان در کنار انقلاب زن زندگی آزادی قرار گرفتند یک نشانه امیدوارکننده از این قشر از جامعه به سوی رهایی از سنت‌های مردسالارانه و ارتجاع اسلامی است و در کنار این انقلاب قرارگرفتن قابل تقدیر است. اما علی‌رغم یک تکان عظیم و قدرتمند فرهنگی و سیاسی، تا این لحظه در بهترین حالت بخشی از الیت روشنفکری و هنرمندان که طبق تعریف باید "به توده‌ها بیاورند" فقط از آوانگاردی نسل جوان، زنان و مردان پیشرو حمایت و پشتیبانی می‌کند.

مذهب‌زدگی یکی از آثار شوم ارتجاع است که اکثریت الیت روشنفکری در ایران در تقابل با آن آثار ماندگاری از خود به جا گذاشته‌اند. طبعاً استثنااتی هم بوده و هست اما این به یک جریان روشنگرانه قابل توجه تبدیل نشده است که مستقلاً بتواند تأثیری فراگیر بر فکر و فرهنگ جامعه بگذارد. جریان غالب "روشنفکر" ایرانی بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ دیگر از تحولات پیشرو فرهنگی در جهان عقب نشست و به مدافع و مبلغ "فرهنگ وطنی و خودی" در تقابل با فرهنگ "بیگانه" تبدیل شد. در مقابل، توده‌های مردم خصوصاً جوانان و حتی به طور ویژه‌تر زنان با دسترسی به آخرین پیشرفت‌های مادی اجتماعی این حصار بسته فرهنگی عقب‌مانده را شکستند و با پیشرفته‌ترین دستاوردهای فرهنگی و فکری جهان نه‌تنها همگام شدند بلکه به گواه انقلاب زن زندگی آزادی در خیلی از قلمروها حتی پیش‌تر رفتند.

در رسانه‌های رسمی نیز شاهد هم‌دوشی و همراهی با ارتجاع فرهنگی و سنت‌های مردسالارانه هستیم. پی‌پی‌سی در رأس این رسانه‌های واپس‌گرا قرار دارد. وقتی تصاویر آهو دریایی جهانی شد، چندین رسانه اصلی فارسی‌زبان تصاویرش را مات کردند تا بدن این زن جوان در معرض دید عموم قرار نگیرد. این صدمه‌الته ریپی به امنیت آهو دریایی نداشت چون پیش‌ازین مات کردن تصویر او دستگیر شده بود و تصاویر اعتراض‌عریانش با زتاب وسیع رسانه‌ای یافته بود. برعکس این مات کردن تصویر تقابل با یک حرکت سنت‌شکنانه و احترام به فرهنگ حاکم و سنت طبقات ارتجاعی کل سیاست این رسانه بود. (پی‌پی‌سی همان رسانه‌ای است که خمینی را در ماه کرد)

واقعیت زندگی و نفس کشیدن زیر تیغ ارتجاع اسلامی هر روز بیش از گذشته جامعه را به مقابله همه‌جانبه با اسلام و حکومت اسلامی و مذهب و فرهنگ اسلامی و سنتی و عقب‌مانده به‌طور کلی سوق داده است. حکومت اسلامی نیز در این میان با فشار حداکثری که به جامعه وارد آورده باعث این طغیان اجتماعی شده است. به یمن رسانه‌های اجتماعی جهانی و زندگی در عصر ارتباطات جهانی، انقلاب فکری - فرهنگی با شتاب زیادی در ایران در حرکت است.

تا اینجا ما به نقش جریان اصلی روشنفکری و تولیدکنندگان آثار هنری و نویسندگان اشاراتی داشتیم و اینکه این بخش از جامعه در نقش پیشرو فرهنگی و فکری ظاهر نشده است. اما احزاب و سازمان‌های سنتی چپ نیز هرگز در ایران نتوانستند از توده‌ها جلو بیفتند و پیشرو فرهنگ متمایز، جهانی، ضد‌مذهبی و انقلابی باشند. بریدن قاطع از بندناف مذهب و مردسالاری و عقب‌ماندگی‌های سیاسی و فرهنگی، از این چپ سنتی برنیامده است. این آوانس دادن و چشم فرو بستن در مقابل مذهب و ارتجاع فرهنگی توسط این چپ پیش از هر چیز ناشی از خط فکری سیاسی ضد‌آمریکایی و ضد فرهنگ غربی است که در آوانس دادن سیاسی به جنبش‌های عقب‌مانده مذهبی - اسلامی و جهان‌سومی انعکاس می‌یابد و به این دلیل جنبش ضد مدرنیسم و مخالف فرهنگ پیشرو غربی، از خمینی مرتجع اسلامی و حزب توده و چریک فدایی غیرمذهبی را در خود جا می‌دهد.

جریان‌های راست که طبیعتاً طرف‌دار نظام سرمایه‌داری هستند، نیز در حفظ مذهب و سنت و عقب‌ماندگی در ایران، منافع طبقاتی خود را می‌بینند و دنبال می‌کنند. کسانی که مصاحبه محمدرضا پهلوی با یک خبرنگار زن خارجی را شنیده‌اند، می‌دانند که او در برابر سؤال این خبرنگار که پرسیده بود: "آیا عقل زنان با مردان برابر است" چه جوابی داد. می‌گوید: "معلوم است که عقل زنان کمتر است، البته استثنا هم وجود دارد". خبرنگار: "آیا شهبانو می‌تواند مثل مردان کشور را اداره کند؟" جواب: "نمی‌خواهم پاسخ بدهم..." و خبرنگار: "شما علی‌احضرت شهبانو چه احساسی در این رابطه دارید؟" جواب: "چه می‌توانم بگویم". رضا پهلوی نیز به‌عنوان ادامه‌دهنده راه پدر و مدافع خط پاسداری از اسلام و مذهب می‌گوید: "اگر قرار باشد اسلام مورد هجوم و حمله قرار بگیرد بهتر است همین جمهوری اسلامی باقی بماند". کسی که می‌تواند در کنار "دیوار ندبه" در اسرائیل دعا به سبک یهودیان بخواند و در ایران هم دنبال نسخه خوب آخوند و اسلام است، زیان در دهانش نمی‌چرخد که جمله‌ای در رابطه با اقدام شکوهمند آهو دریایی بیان کند. این یک انتخاب سیاسی است. نمونه حمله هیستریک سلطنت‌طلبان در "اکس" (توییتر سابق) علیه مریم نمازی و مدافعان اعتراض‌عریان در همین هفته گذشته اوج ارتجاع و عقب‌ماندگی و زن‌ستیزی این جماعت را با زمختی فراوان به نمایش گذاشت.

خوشبختانه هم‌اکنون نسلی از انقلابیون و پیشروان چپ و سوسیالیست و ضد‌مذهب در ایران پا به میدان مبارزه گذاشته‌اند که نشان داده‌اند پرچم‌دار مدرنیسم، سکولاریسم و مبارزین راستین علیه مذهب و عقب‌ماندگی فرهنگی هستند. این نسل نه‌تنها بدهکاری به گذشته ندارد که می‌تواند آینده را با همه زیبایی‌هایش بسازد و تاریخ نویی از زندگی انسانی و آزادی و برابری را بنیان بگذارد.

در انتها خوب است اشاره کنم که در میان همه احزاب سیاسی ایرانی به‌جرت و با سند می‌توان گفت که یک استثنا وجود دارد و آن هم حزب کمونیست کارگری است. حزب کمونیست کارگری و فعالین این جنبش که عمیقاً به کمونیسم انقلابی مارکس اعتقاد دارند، منظم‌اً و مدام از نظر سیاسی و فکری و فرهنگی جلودار جامعه بوده‌اند. این روش و منش مبارزاتی، خود را در انقلاب زن زندگی آزادی متبلور کرده است. انقلابی که برای پیشروی و پیروزی نهایی‌اش باید همچنان نقد ریشه‌ای و همه‌جانبه‌ای بر انواع عقب‌ماندگی‌ها بگذارد.*

کار مزدی و سرمایه (بخش پایانی)

نوشته کارل مارکس

ترجمه از کاظم نیکخواه



رشد سرمایه مولد چگونه بر دستمزدها تأثیر می‌گذارد؟

اگر به‌طور کلی، سرمایه مولد جامعه بورژوازی رشد کند، انباشت کار به‌صورت چندجانبه‌تری صورت می‌گیرد. سرمایه‌های فردی از نظر تعداد و بزرگی افزایش می‌یابد. افزایش شمار سرمایه‌های فردی رقابت میان سرمایه‌داران را گسترش می‌دهد. بزرگی روزافزون سرمایه‌ها ابزارهایی برای هدایت ارتش‌های قدرتمندتر کارگران با ابزارهای جنگی عظیم‌تر در میدان نبرد صنعتی فراهم می‌آورد. یک سرمایه‌دار می‌تواند با ارزان‌فروشی سرمایه‌داران دیگری را از میدان بیرون کند و سرمایه‌اش را از بین ببرد. برای اینکه ارزان‌تر بفروشد بدون اینکه خودش را نابود کند، باید ارزان‌تر تولید کند - یعنی تا آنجا که ممکن است نیروهای مولد کار را افزایش دهد. اما نیروهای مولد کار بیش از هر چیز با تقسیم کار بیشتر و با ارائه و بهبود مداوم ماشین‌آلات افزایش می‌یابد. هر چه ارتش کارگرانی که کار بین آنها تقسیم می‌شود بزرگ‌تر باشد، هر چه ماشین‌آلات بر اساس مقیاس گول‌آساتری به کار گرفته شود، به همان نسبت هزینه تولید کاهش بیشتری می‌یابد، و کار پربارتر می‌شود. و بنابراین در میان سرمایه‌داران یک رقابت جهانی برای افزایش تقسیم کار و استفاده از ماشین‌آلات در وسیع‌ترین مقیاس ممکن به جریان می‌افتد. حال اگر با تقسیم کار بیشتر، با به‌کارگیری و بهبود ماشین‌های جدید، با بهره‌برداری مفیدتر از نیروهای طبیعت در مقیاس بزرگ‌تر، یک سرمایه‌دار به نسبت رقبای خود ابزاری برای تولید بیشتر با همان میزان کار قبلی (خواه کار مستقیم یا کار انباشته شده) را پیدا کند، اگر مثلاً در همان زمان کاری که رقبای او نیم یارد کتان آماده می‌کنند بتواند یک یارد تولید کند - این سرمایه‌دار چه خواهد کرد؟ او می‌تواند به فروش نیم یاردی کتان به قیمت قبلی بازار ادامه دهد. اما این تأثیری در بیرون‌راندن مخالفان او از میدان و گسترش بازار خودش نخواهد

داشت. ولی او به همان اندازه‌ای که قدرت تولیدی‌اش گسترش یافته، نیازش به بازار بیشتر شده است. ابزار تولیدی قدرتمندتر و پرهزینه‌تر که او به وجود آورده است، درست است که او را قادر می‌سازد اجناس خود را ارزان‌تر بفروشد، اما درعین‌حال او را مجبور می‌کند که اجناس بیشتری بفروشد، تا کنترل بازار بسیار بزرگ‌تری را برای کالاهایش در دست بگیرد. در نتیجه، این سرمایه‌دار نیم یارد کتان خود را ارزان‌تر از رقبای خود خواهد فروخت. اما سرمایه‌دار تمام یک یارد پارچه را به ارزانی و به قیمت نیم یارد که رقبای او می‌فروشند، نخواهد فروخت. اگرچه تولید کل یک یارد برای او بیشتر از تولید نیم یارد برای دیگران هزینه در بر نداشته است. چون در غیر این صورت، او هیچ سود اضافی ای نخواهد داشت و در ازای آن فقط هزینه تولید را بازپس می‌گیرد، ممکن است از به‌کارگیری سرمایه بزرگ‌تر درآمد بیشتری کسب کند، اما سود بیشتری از سرمایه خود نسبت به دیگران کسب نخواهد کرد. علاوه بر این، اگر قیمت کالاهای خود را تنها درصد کمی کمتر از رقبای خود قیمت‌گذاری کند، به هدف موردنظر خود دست می‌یابد. او آنها را از میدان بیرون می‌کند، با ارزان‌فروشی حداقل بخشی از بازارشان را از آنها می‌گیرد. و در نهایت به یاد داشته باشیم که قیمت موجود همیشه بسته به اینکه فروش یک کالا در دوره مطلوب یا دوره نامطلوب صنعتی صورت گیرد، بالاتر یا پایین‌تر از قیمت تمام شده خواهد بود. همانطور که قیمت بازار یک یارد کتان بالاتر یا پایین‌تر از هزینه تولید قبلی آن خواهد بود، درصد بالاتری که سرمایه‌دار با استفاده از ابزارهای جدید پربارتر تولید استفاده کرده، به دست خواهد آورد متفاوت خواهد بود. اما امتیاز سرمایه‌دار ما زیاد دوام نخواهد آورد. سایر رقبای سرمایه‌دار نیز همان (نوع) ماشین‌ها، و همان تقسیم کار را در مقیاسی مشابه یا حتی بزرگ‌تر به کار خواهند گرفت.

کار مزدی و سرمایه (بخش پایانی)

از صفحه ۱۳

این تحرک تب‌آلود را آن‌گونه که در بازار کل جهان عمل می‌کند به تصور در آوریم، در موقعیتی خواهیم بود که بفهمیم چگونه رشد، انباشت و تمرکز سرمایه، تقسیم کار در جزئیات بیشتر، بهبود بیشتر ماشین‌های کهنه و استفاده دائم از ماشین‌های جدید را به دنبال خود می‌آورد. فرآیندی که بدون وقفه، با شتاب‌زدگی تب‌آلود و به‌غول‌آساترین میزان جریان می‌یابد.

اما این شرایط که از رشد سرمایه مولد جدایی‌ناپذیرند، چه تأثیری بر تعیین دستمزد دارند؟ تقسیم کار بیشتر یک کارگر را قادر می‌سازد تا کار پنج، ۱۰ یا ۲۰ کارگر را انجام دهد؛ بنابراین رقابت بین کارگران را پنج، ده برابر یا بیست برابر افزایش می‌دهد. کارگران نه‌تنها با ارزان‌تر فروختن خود یکی بیش از دیگری، بلکه هر کدام با انجام کار ۵، ۱۰ یا ۲۰ نفر با هم رقابت می‌کنند. و مجبورند با تقسیم کار که توسط سرمایه ارائه می‌شود و مدام بهبود می‌یابد، رقابت کنند. علاوه بر این، به همان میزان که تقسیم کار افزایش می‌یابد، کار ساده می‌شود. مهارت خاص کارگر بی‌ارزش می‌شود. او به یک نیروی تولیدی ساده و یکنواخت بدون انعطاف فیزیکی و ذهنی تبدیل می‌شود. کار او برای همه قابل‌دسترس می‌شود؛ بنابراین رقبا از همه طرف بر او فشار می‌آورند. علاوه بر این، باید به‌خاطر داشت که هر چه کار ساده‌تر، آسان‌تر آموخته شود، هزینه تولید آن هم کمتر است، هزینه‌های خرید آن کمتر می‌شود و دستمزدها به‌عنوان قیمت باید کمتر شود. زیرا مانند قیمت هر کالای دیگری، دستمزدها توسط هزینه تولید تعیین می‌شوند.

بنابراین، به همان ترتیبی که کار کمتر رضایت‌بخش و بیشتر کسالت‌آور می‌شود، رقابت افزایش می‌یابد و دستمزد کاهش می‌یابد. کارگر در پی آن است که با انجام کار بیشتر، حال یا از طریق ساعات بیشتری کارکردن، یا با انجام مقدار کارهای بیشتری در همان ساعات، مجموع دستمزد قبلی خود برای یک‌زمان معین را حفظ کند. از این‌رو، او خود از سر ناچاری با خواست خود، تأثیرات فاجعه‌بار تقسیم کار را چندبرابر می‌کند. نتیجه این است که: هر چه او بیشتر کار کند، دستمزد کمتری دریافت می‌کند. و به همین دلیل ساده: هر چه بیشتر کار کند، بیشتر با همکارانش رقابت می‌کند، و بیشتر آنها را وادار می‌کند تا با او رقابت کنند و خود را در همان شرایط اسفناکی که او قرار دارد عرضه کنند. به طوری که در آخرین تحلیل، او به‌عنوان عضوی از طبقه کارگر با خود رقابت می‌کند.

ماشین‌آلات همین تأثیرات را در مقیاس‌های عظیم‌تری ایجاد می‌کنند. آنها کارگران ماهر را به‌جای کارگران غیرماهر، مردان را با زنان، بزرگسالان را با کودکان جایگزین می‌کنند، و در جاهایی که به‌تازگی به کار گرفته شده‌اند، توده‌های بزرگ کارگران را به خیابان‌ها پرتاب می‌کنند. و با تکامل بیشتر و امکان تولید بیشتر نیز همچنان، آنها راه، گرچه در ابعاد کوچک‌تری، بی‌کار می‌کنند.

ما جنگ صنعتی سرمایه‌داران در میان خودشان را عجلتاً ترسیم کردیم. این جنگ این خصوصیت ویژه را دارد که پیروزی در آن نه با سریارگیری بیشتر بلکه با مرخص کردن ارتش کارگران به دست می‌آید. ژنرال‌ها (سرمایه‌داران) با یکدیگر رقابت می‌کنند که چه کسی می‌تواند بیشترین تعداد سربازان صنعتی را مرخص کند. اقتصاددانان به ما می‌گویند، مطمئناً، آن دسته از کارگرانی که توسط ماشین‌آلات زائد شده‌اند، مکان‌های دیگری برای کار پیدا می‌کنند. آنها جرئت ندارند مستقیماً ادعا کنند که همان کارگرانی که اخراج شده‌اند در شاخه‌های جدید کار موقعیت‌هایی پیدا می‌کنند. حقایق در برابر این دروغ با صدای بلند فریاد می‌زنند. به بیان دقیق، آنها فقط معتقدند که ابزار جدیدی برای اشتغال برای سایر بخش‌های طبقه کارگر پیدا خواهد شد. به‌عنوان مثال، برای آن بخش از نسل جوان کارگران که در شرف ورود به آن شاخه‌های صنعتی بودند که به‌تازگی منسوخ شده بود. البته این یک رضایت بزرگ برای کارگران معلول است. برای آقایان سرمایه‌داران، خون و عضله قابل استثمار تازه کم نخواهد بود. سرمایه‌داران: مردگان می‌توانند مردگان خود را دفن کنند. به نظر می‌رسد این

در نهایت این به‌کارگیری آن‌قدر سراسری می‌شود که قیمت کتان نه‌تنها به زیر قیمت قدیمی خود، بلکه حتی کمتر از هزینه تولید جدید آن کاهش می‌یابد؛ بنابراین سرمایه‌داران در روابط متقابل خود، خود را در همان وضعیتی می‌بینند که قبل از به‌کارگیری ابزار تازه تولید قرار داشتند. و اگر با این وسایل امکان عرضه دوبرابر کالا با قیمت قدیمی را داشته باشند، اکنون مجبورند دوبرابر کالا را با قیمتی کمتر از قیمت قبلی ارائه دهند. با رسیدن به نقطه جدید، یعنی به هزینه جدید تولید، نبرد برای برتری در بازار باید از نو آغاز شود. تقسیم کار بیشتر و ماشین‌آلات بیشتر، نتیجه‌اش باز هم میزان بیشتری از تقسیم کار و ماشین‌آلات مورد بهره‌برداری خواهد بود. و باز رقابت همان واکنش را در برابر این نتیجه به بار می‌آورد.

تأثیر رقابت سرمایه‌داری بر طبقه سرمایه‌دار طبقه متوسط و طبقه کارگر بنابراین، می‌بینیم که چگونه روش تولید و ابزار تولید دائماً گسترده‌تر می‌شود، متحول می‌شود، چگونه تقسیم کار لزوماً به دنبال خود تقسیم کار بیشتر، استفاده از ماشین‌آلات به‌کارگیری ماشین‌آلات بیشتر، و کار در ابعاد وسیع، کار در ابعاد وسیع‌تر را به دنبال خواهد آورد. این قانونی است که پیوسته تولید سرمایه‌داری را از مسیرهای کهنه‌اش بیرون می‌کشد و سرمایه را وادار می‌کند تا به همان دلایلی که قبلاً نیروهای کار را زیر فشار قرار داده، بیش‌ازپیش آنها را زیر فشار قرار دهد. قانونی که به او مهلت نمی‌دهد و مدام در گوشش فریاد می‌زند. به‌پیش! به‌پیش! این قانون چیز دیگری نیست جز همان که از طریق نوسانات ادواری تجارت، به ناگزیر قیمت یک کالا را با هزینه تولید آن منطبق می‌کند. مهم نیست که ابزار تولیدی که یک سرمایه‌دار ممکن است به کار گیرد چقدر قدرتمند باشد، رقابت، به‌کارگیری آن را عمومی خواهد کرد. و از لحظه‌ای که به‌طور کلی به کار گرفته شد، تنها نتیجه بهره‌وری بیشتر سرمایه او این خواهد بود که باید با همان قیمت، ۱۰، ۲۰، ۱۰۰ برابر قبل، تجهیزات را به کار گیرد. اما از آنجایی که او باید بازاری شاید، ۱۰۰۰ برابر بیشتر از قبل پیدا کند تا بتواند با میزان فروش بیشتر، فروش به قیمت کمتر را جبران کند، از آنجاکه در حال حاضر فروش بیشتر نه‌تنها برای کسب سود بیشتر، بلکه برای جایگزینی بهای تمام شده تولید ضروری است، (همانطور که مشاهده کردیم ابزار تولید مدام گران‌تر می‌شود) و از آنجایی که این فروش گسترده‌تر نه‌تنها برای او، بلکه برای رقبای او نیز مسئله مرگ و زندگی است، بنابراین مبارزه قبلی باید دوباره آغاز شود، و هر چه ابزار تولید اختراع شده قدرتمندتر باشد، این جنگ خشونت‌آمیزتر است.

بنابراین، تقسیم کار و به‌کارگیری ماشین‌آلات بازمه در مقیاسی عظیم‌تر آغاز می‌شود. قدرت ابزارهای تولیدی که به کار می‌روند هر چه باشد، رقابت می‌خواهد با کاهش دادن قیمت کالاها تا سطح قیمت تمام شده، میوه‌های طلایی این قدرت را از سرمایه سلب کند. به همان میزان که در آن تولید ارزان می‌شود - یعنی به همان اندازه‌ای که می‌توان با یک مقدار نیروی کار مقدار بیشتری تولید کرد - یک قانون غیرقابل‌مقاومت، ارزان‌شدن بیشتر تولید، و فروش مقادیر هرچه بیشتر با قیمت‌های کمتر را الزامی می‌سازد؛ بنابراین سرمایه‌دار با تلاش‌های خود چیزی جز الزام ارائه محصولات بیشتر در همان زمان کار قبلی، در یک کلام، جز شرایط سخت‌تر برای به‌کارگیری سودآور سرمایه‌اش را به دست نخواهد آورد.

بنابراین، درحالی که رقابت، از طریق قانون هزینه تولید دائماً سرمایه‌دار را تعقیب می‌کند و هر سلاخی را که علیه رقبای خود می‌سازد، به‌سوی خود او بر می‌گرداند، سرمایه‌دار پیوسته با گسترش خستگی‌ناپذیر تقسیم کار بیشتر و به‌کارگیری ماشین‌های جدیدتر، که گرچه گران‌تر تمام می‌شود به او امکان می‌دهد که به‌جای اینکه صبر کند تا ماشین‌ها در رقابت منسوخ شوند، تلاش می‌کند هرچه بیشتر در رقابت (پول) به دست آورد. حال اگر

حکم بازداشت رهبران دولت اسرائیل و حماس

یک گام به جلو علیه جنایت کاران جنگی

حکم این دادگاه در ادامه اقدامات مؤثر کریم‌خان، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی است که شش ماه پیش خواهان صدور قرار بازداشت برای بنیامین نتانیاهو، یوآو گالانت، اسماعیل هنیه، یحیی سنوار و محمد ضیف شده بود. از آنجایی که هنیه و سنوار کشته شده‌اند تنها اسم محمد ضیف در این لیست جدید بازداشت قرار دارد. اسرائیل تأکید می‌کند او را هم چند ماه پیش در یک حمله هوایی به قتل رسانده است اما قضات دیوان اظهار داشته‌اند که قادر به تأیید مرگ او نیستند.

با حکم جلب رهبران حماس و دولت اسرائیل جهان متمدن نشان می‌دهد که در برابر جنایت کاران و قاتلان مردم بی‌دفاع، دست‌بسته و اسیر نیست و قدرت اعتراض این جهان متمدن و انسانیت متشکل شده می‌تواند اهرم فشار مؤثری باشد تا به اتکا به آن نهادهایی چون دیوان کیفری بین‌المللی بتوانند متجاوزین را تحت تعقیب قرار بدهند. در این میان نباید از یاد برد که اگر جمهوری اسلامی نبود و امکانات نظامی وسیع همراه با حمایت مالی بی‌دریغ وجود نداشت، حماس نمی‌توانست دست به کشتار شهروندان بی‌دفاع اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بزند. جا دارد که در کنار نتانیاهو و گالانت و محمد ضیف حکم بازداشت بین‌المللی همه سران حکومت اسلامی نیز در دادگاه‌های بین‌المللی صادر شود.

حزب کمونیست کارگری ایران تأکید می‌کند دست جنایت کاران حاکم بر اسرائیل و تروریست‌های اسلامی باید از سر مردم کوتاه شود و باید با تمام توان علیه این دشمنان بشریت ایستاد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ نوامبر ۲۰۲۴ - ۳ آذر ۱۴۰۳

قضات دیوان کیفری بین‌المللی روز پنجشنبه ۲۱ نوامبر (۱ آذر) حکم جلب بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر و یوآو گالانت، وزیر دفاع پیشین اسرائیل را صادر کرده‌اند. برای محمد دیاب ابراهیم المصری معروف به محمد ضیف، فرمانده نظامی حماس نیز حکم جلب صادر شده است. حزب کمونیست کارگری از حکم بازداشت این جنایت کاران استقبال می‌کند.

این به عهده ۱۲۴ کشور عضو دیوان است که برای عملی کردن این حکم و اقدام به بازداشت نتانیاهو و گالانت تصمیم بگیرند. دولت‌های آمریکا و اسرائیل این حکم را محکوم کرده‌اند اما جوزف بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا آن را حکمی «غیرسیاسی» و برای تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا «لازم‌الاجرا» دانسته است. صرف‌نظر از عکس‌العمل دولت‌ها نفس صدور این حکم یک پیروزی سیاسی علیه جنایت کاران حاکم بر اسرائیل است که در غزه دریای خون راه انداختند و به جنایات خود که تا همین امروز منجر به کشتار ده‌ها هزار کودک و مردم بی‌دفاع شده افتخار هم می‌کنند.

این حکم حتی اگر اجرائی نشود و هر اندازه هم که با اعتراض و کارشکنی‌های هیئت حاکمه آمریکا و اسرائیل روبرو شود، ضربه مهمی به جنایت کاران حاکم بر اسرائیل است. حماس از صدور حکم علیه نتانیاهو و یوآو گالانت استقبال کرده است اما صدور حکم جلب رهبران حماس در کنار رهبران اسرائیل به جرم جنایات جنگی جایی برای سوءاستفاده نیروهای ارتجاعی نظیر حماس و جمهوری اسلامی و حزب‌الله باقی نمی‌گذارد.

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و تحزب و اعتصاب، یعنی حق بی‌چون و چرای تک‌تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شؤونات اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کم و کاست ما با ادامه انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای نمونه‌وار و آزاد

را برپا خواهیم کرد. زنده‌باد انقلاب!

حزب کمونیست کارگری ایران

ضدیت واتیکان و کشورهای مرجع با جنسیت و همجنس گراها



نسان نودینیان

در اجلاس کاب ۲۹ با میزبانی جمهوری آذربایجان در باکو، ائتلاف همصدای مذهبی (واتیکان، عربستان، ایران و مصر) مانع بهروزرسانی اقدامات در زمینه تغییرات اقلیمی و اختصاص منابع مالی بیشتری به زنان شدند. این ائتلاف کثیف در ضدیت با همجنس گرایی، حمایت از زنان را با بن بست روبرو کرد. بر اساس داده‌های سازمان ملل، تا سال ۲۰۵۰ تعداد زنان و دخترانی که با ناامنی غذایی ناشی از تغییرات اقلیمی روبرو خواهند شد، حدود ۲۴۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. این رقم برای مردان و پسران ۱۳۱ میلیون برآورد شده است. مخالفت این کشورها به سرکردگی فرانسیس پاپ ریشه در عوامل فرهنگی، ایدئولوژیک، مذهبی و سیاسی دارد. این کشورها با به کارگیری واژه «جنسیت» که باعث تقویت گفتمان‌هایی شود که با هنجارهای مذهبی یا فرهنگی‌شان تضاد دارد، مانند برابری جنسیتی، حقوق افراد LGBTQ+ یا گسترش مفهوم «جنسیت» فراتر از مرد و زن مشکل جدی دارند.

این کشورها نقش‌های مشخص و سنتی برای مردان و زنان قائل هستند و نگرانی دارند که پذیرش مفاهیم جدید جنسیتی موجب چالش برای این ساختارها شود. به‌ویژه در جوامعی که خانواده و نقش‌های جنسیتی سنتی اهمیت بالایی دارند، تغییر در تعریف «جنسیت» می‌تواند حساسیت برانگیز باشد.

این کشورها استفاده از واژه «جنسیت» را به عنوان بخشی از گفتمان‌های جهانی شده می‌بینند که از غرب سرچشمه گرفته و آن را نوعی دخالت یا تحمیل فرهنگی تلقی می‌کنند. و مقاومت در برابر چنین اصطلاحاتی (همجنس گراها و ترنس‌ها) را بخشی از حفاظت از هویت ملی یا فرهنگی خود می‌دانند.

واژه «جنسیت» در گفتمان‌های جاری و اجتماعی اغلب با حقوق افراد LGBTQ+ و پذیرش هویت‌های جنسیتی متنوع گره خورده است. بسیاری از این کشورها قوانین و سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای علیه LGBTQ+ دارند و نگران هستند که استفاده از این واژه موجب مشروعیت بخشی به حقوق آنان شود. در اسناد بین‌المللی، واژه «جنسیت» به صورت گسترده از تفاوت‌های زیستی (مرد و زن) و شامل هویت‌های اجتماعی و فرهنگی تفسیر می‌شود. این کشورها ترجیح می‌دهند از واژه «جنس (sex)» که به تفاوت‌های زیستی محدود می‌شود استفاده کنند تا از پیچیدگی‌های سیاسی و فرهنگی مرتبط با «جنسیت» اجتناب کنند.

مخالفت ائتلاف کثیف مذهبی واتیکان، جمهوری اسلامی، عربستان و مصر. نشان‌دهنده شکاف عمیق در درک و پذیرش مفاهیم مدرن درباره جنسیت و حقوق مرتبط با آن در سطح بین‌المللی است.

مخالفت واتیکان، روسیه، عربستان، جمهوری اسلامی و مصر. با بهروزرسانی اقدام در زمینه تغییرات اقلیمی و در نظر گرفتن مشکلات زنان و اختصاص منابع مالی بیشتر به آنان، اقدامی ضدبیشری و ضد زنان است. و به قول سوزانا محمد نماینده کمبیا: کشورهای آمریکای لاتین به سختی در حال تلاش برای توافق بهروزرسانی تغییرات اقلیمی و بودجه بیشتر به زنان هستند. سوزانا محمد می‌گوید ما اجازه نمی‌دهیم برنامه جنسیتی حذف شود و حقوق بشر کنار گذاشته شود.

به‌عنوان جمع‌بندی:

عدم بهروزرسانی و مقابله با تغییرات اقلیمی تأثیرات منفی قابل توجهی بر زنان خواهد داشت. این تأثیرات ناشی از نقش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان در جوامع مختلف است.

۱. افزایش بار کار خانگی و مراقبتی:

تغییرات اقلیمی می‌تواند منابع طبیعی همچون آب و سوخت را محدود کند. زنان، به‌ویژه در مناطق روستایی، اغلب مسئول جمع‌آوری این منابع هستند. با کاهش دسترسی به این منابع، زمان و انرژی بیشتری برای انجام این کارها صرف می‌کنند.

۲. افزایش آسیب‌پذیری اقتصادی:

بسیاری از زنان در بخش‌های کشاورزی فعالیت می‌کنند. تغییرات اقلیمی می‌تواند محصولات کشاورزی را کاهش داده و درآمد آن‌ها را تهدید کند. این امر به‌ویژه برای زنانی که سرپرست خانوار هستند، خطرناک‌تر است.

۳. تشدید نابرابری در دسترسی به منابع:

زنان در بسیاری از جوامع دسترسی کمتری به منابع مالی، آموزشی و تکنولوژیکی دارند. در شرایط اقلیمی بحرانی، این محدودیت‌ها بیشتر نمایان می‌شود و زنان کمتر می‌توانند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند.

۴. افزایش خطرات سلامت:

تغییرات اقلیمی می‌تواند بیماری‌های مرتبط با گرما، سوءتغذیه و بیماری‌های منتقله از طریق آب را افزایش دهد. زنان به دلیل نقش مراقبتی خود، بیشتر در معرض این بیماری‌ها قرار دارند.

۵. افزایش خشونت جنسیتی:

در شرایط بحران مانند سیل، خشکسالی یا مهاجرت اجباری، زنان بیشتر در معرض خطر خشونت خانگی، استثمار و سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند.

۶. محدودیت در آموزش و فرصت‌های پیشرفت:

در شرایط بحرانی، خانواده‌ها ممکن است آموزش دختران را فدای نیازهای مالی و کاری کنند. این امر به کاهش فرصت‌های پیشرفت زنان منجر می‌شود.

۷. تأثیرات منفی بر بهداشت باروری:

در بحران‌های اقلیمی، خدمات بهداشتی و بهداشت باروری ممکن است کاهش یابد و دسترسی زنان به مراقبت‌های لازم محدود شود.

بالا بردن مشارکت زنان و مقابله با تغییرات اقلیمی فاکتور جدی در کوتاه‌کردن دخالت مذهب و ناسیونالیسم است. به هر درجه میزان مشارکت زنان بیشتر شود، کاهش آسیب‌ها و توجه به راه‌حل‌های پایه‌ای تغییرات اقلیمی تضمین شده‌تر خواهد بود.

۲ آذر ۱۴۰۳

پرستاران شایسته حمایت همه‌جانبه مردم هستند. باید موجی از حمایت از پرستاران در سراسر کشور و در خارج کشور شروع شود. این اعتصابی است علیه کل سیستم پوسیده و غیرانسانی و تجاری سیستم پزشکی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و وظیفه همه ما است با تمام توان آن را حمایت و تقویت کنیم.

جمهوری اسلامی زیر فشارهای جدید بین‌المللی

مهران محبی

دولت‌های آمریکا و اروپایی دوره تشدید فشارهای خود را علیه جمهوری اسلامی بر سر مسئله هسته‌ای و نقش و دخالت‌هایش در بالاگرفتن تنش‌ها و نزاع‌های منطقه‌ای شروع کرده‌اند و در نتیجه حکومت اسلامی در حال افتادن در گرداب وحشتناک‌تر بحران‌ها قرار گرفته است.

اوضاع جدید بین‌المللی به حدی برای رژیم سنگین و تنگ است که سران حکومت بعد از حمله اسرائیل به مراکز نظامی و موشکی و هسته‌ای‌شان دست به دامان غرب برای پرهیز از اعمال فشارها و تحریم‌های بیشتر شده‌اند. از ارسال پیام به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر اینکه اگر قدرت‌های غربی قطعنامه علیه ایران در نشست شورای حکام صادر نکنند، جمهوری اسلامی حاضر است غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم خود را متوقف سازد تا دیدار امیرسعید ابروایی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل با ایلان ماسک وزیر انتخابی "بهبه‌سازی دولت" ترامپ و یا سفر علی لاریجانی به سوریه و لبنان که احتمال زیاد دارد حامل پیام خامنه‌ای به حماس و حزب‌الله برای پذیرش آتش‌بس بوده، همگی بخشی از این تقلا زینوانه مقامات حکومتی هستند.

اما با وجود التماس‌ها و درخواست‌های زینوانه جمهوری اسلامی، شورای حکام و دولت‌های غربی وقعی ننهادند و گام‌های نخست تشدید فشارهای خود را عملی کردند. به دنبال منع پرواز هواپیماهای مسافربری جمهوری اسلامی به کشورهای اتحادیه اروپا، انگلیس هم در آستانه نشست شورای حکام، این تحریم را علیه هواپیمایی جمهوری اسلامی اعمال کرد و هم‌زمان با آن نیز کشورهای عضو اتحادیه اروپا به علاوه انگلیس، کشتیرانی جمهوری اسلامی را به‌خاطر انتقال موشک و جنگ‌افزار به روسیه تحریم کردند. بعد از چند روز هم در نشست ۲۰ نوامبر شورای حکام قطعنامه‌ای علیه برنامه هسته‌ای رژیم تصویب شد و تازه همه این اقدامات برای فشار بر جمهوری اسلامی که طی چند روز گذشته اعمال شده فقط پیش‌درآمد دوره‌ای سخت برای اعمال فشارهای به‌اصطلاح غربی‌ها "حداکثری" بر رژیم در صورت تن‌دادن به شرط‌وشرط جدید آنها است. چرا که دولت‌های غربی و آمریکا به‌طورجدی صحبت بر سر فعال کردن "مکانیسم ماشه" از طریق ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل می‌کنند که در آن صورت همه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی به طور خودکار بازگردانده می‌شوند.

در وحشت از تبعات تصویب قطعنامه هسته‌ای علیه رژیم بود که مقامات حکومت قبل از به تصویب رسیدن قطعنامه شورای حکام تلاش‌های زیادی کردند تا شورا را منصرف کنند. علاوه بر پیام‌هایی که به شورای امنیت سازمان ملل دادند و درخواست معامله توقف غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم در مقابل عدم تصویب قطعنامه شورای حکام را ارائه کردند، عراقچی با وزرای خارجه برخی از اعضای شورا مانند برزیل، آفریقای جنوبی، بنگلادش، الجزایر، بورکینافاسو، پاکستان و فرانسه در تماس و التماس بود تا با دخالت خود مانع از تصویب قطعنامه در جلسه شورای حکام شوند، ولی ناکام ماندند.

در پروژه تقلا حکومت برای منصرف کردن شورای حکام از تصویب قطعنامه ضد جمهوری اسلامی، بخش تبلیغات و تهدید هم بود. از خامنه‌ای گرفته تا پائین‌دستی‌ها به رجزخوانی مشغول بودند. از ضرورت اتمی شدن برای قرارگرفتن در جایگاه برابر در مذاکرات هسته‌ای و غیره گفتند و سرانجام خامنه‌ای در دیدارش با جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت ۱۳ آبان در پاسخ به سؤال یک دانشجو در رابطه با استفاده از سلاح هسته‌ای اعلام کرد: هر آنچه که برای مقابله با دشمن

لازم باشد حتماً انجام خواهیم داد.

حالا نیز در پاسخ به تصویب قطعنامه شورای حکام، وزارت امور خارجه و سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی بیانیه‌ای مشترک صادر کرده‌اند که در آن دستور راه‌اندازی مجموعه قابل‌توجهی از سانتریفیوژهای جدید و پیشرفته داده شده است.

واضح است که بخش اعظم تبلیغات و تهدیدات حکومت برای ساخت بمب اتمی و افزایش غنی‌سازی اورانیوم، در حد رجزخوانی باقی خواهد ماند. جمهوری اسلامی بر روی لبه تیغ گام بر می‌دارد. سران رژیم می‌دانند هر گامی بردارد که خطوط قرمز غرب را رد کند، با تبعات جبران‌ناپذیری مواجه خواهند شد. هشدارهای غربی‌ها مبنی بر آن که در صورت پا فراتر گذاشتن جمهوری اسلامی به سوی ساخت بمب هسته‌ای، اگر لازم باشد با نابودکردن مراکز هسته‌ای‌اش پاسخ خواهند داد، آویزه گوش خامنه‌ای و دیگر مقامات رژیم شده‌اند.

هم دولت‌های غربی و هم پیمانانشان و حتی کشورهایی که رژیم آن‌ها را دوست و نزدیک به خود می‌دانند، به این قطعیت رسیده‌اند که وضعیت جمهوری اسلامی بسیار شکننده و بی‌ثبات است و توجه چندانی نه به التماس و خواهش و تمناهایش می‌کنند و نه وقعی به هارت و پورت‌هایش می‌نهند. براین اساس دولت‌های غربی و شورای امنیت سازمان ملل به این نتیجه رسیده‌اند که به دنبال شکست‌های نظامی جمهوری اسلامی و نیابتی‌هایش در برابر اسرائیل و انزوایی که در سطح جهانی نصیب آن شده، وادارکردن رژیم اسلامی به پذیرش شروط خود و رام‌کردنش از طریق تشدید فشار و زور، امکان‌پذیرتر از هر دوره‌ای نسبت به گذشته است.

این واقعیت را در بیانیه مشترک انگلیس، آلمان و فرانسه در آستانه رأی‌گیری شورای حکام می‌توان دید که از جمهوری اسلامی خواسته‌اند نه تنها پیشنهاد توقف غنی‌سازی در سطح بالا را ارائه دهد، بلکه فوراً ذخایر اورانیوم غنی شده خود را از بین ببرد، و همچنین آمریکا هم اعلام کرده که جمهوری اسلامی باید به طور کامل ذخایر ۶۰ درصدی خود را به مواد با غنای پائین‌تر تبدیل کند!

مجموعه این شرایط که بر جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی تحمیل شده، رژیم را با بن‌بست‌های بیشتری در تنش‌ها با دولت‌های غربی و هم‌پیمانانشان مواجه خواهد کرد، اما یک وجه دیگر از فشارهای جهانی بر جمهوری اسلامی در همین اثنا، تصویب قطعنامه کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل علیه نقض و وسیع حقوق بشر توسط رژیم است که برای مردم و انقلاب در داخل بسیار حائز اهمیت‌تر است.

در این قطعنامه نسبت به نقض حقوق زنان، آزادی بیان و امنیت روزنامه‌نگاران، شرایط مدافعان حقوق بشر و خانواده‌های آنها و استفاده گسترده از مجازات اعدام اعتراض شده است. این قطعنامه اگر چه پشتوانه اجرایی ندارد، اما خود گواهِ در جریان بودن یک مبارزه میدانی وسیع و قدرتمند علیه جمهوری اسلامی به‌خاطر همه جنایاتش در داخل و خارج است که زیر این فشار اجتماعی، کمیته مذکور وادار به صدور آن شده است.

قطعنامه علیه نقض حقوق بشر در ایران، به دنبال دور جدید اعتراضات مردم داخل، از درون زندان‌ها گرفته تا کف خیابان‌ها و در خارج کشور به صدور و اجرای احکام گسترده اعدام، حمایت از اعتراض‌های عربان "آهو دریایی" معروف به "دختر علوم و تحقیقات" و اعتراضات به فشارهای دستگاه‌های امنیتی و مذهبی بر کیانوش سنجری و دختران دانش‌آموزی که باعث خودکشی آنان شد، به تصویب رسیده است.

چنین اقداماتی از طرف بخش حقوق بشری سازمان ملل نشان می‌دهد که ما مردم

کار مزدی و سرمایه (بخش پایانی)

از صفحه ۱۴

گسترش می‌دهد. هر چه تقسیم کار و استفاده از ماشین‌آلات بیشتر شود، رقابت بین کارگران بیشتر می‌شود، و دستمزد آنها با هم کاهش می‌یابد.

علاوه بر این از لایه‌های بالاتر جامعه به صفوف کارگران رانده می‌شوند. توده‌ای از کسبه کوچک و افرادی که بر اساس سود سرمایه‌هایشان زندگی می‌کنند به صفوف طبقه کارگر نزول می‌کنند، و کاری جز دراز کردن دست خود در کنار بازوان کارگران نخواهند داشت؛ بنابراین جنگل دست‌های دراز شده، که برای کار گدایی می‌کنند، روزیروز ضخیم‌تر می‌شود، و خود دست‌ها هر چه لاغرتر می‌گردد. تولیدکننده کوچک بدیهی است که نمی‌تواند در مبارزه‌ای که اولین شرط موفقیت در آن تولید در مقیاسی بزرگ‌تر است دوام بیاورد؛ بنابراین وضعیت تولیدکنندگان کوچک و در نتیجه افزایش تعداد نامزدهای پرولتر شدن روشن است - اینها نیاز به توضیح بیشتری ندارد.

در نهایت، در همان مقیاسی که در آن، سرمایه‌داران از طریق حرکتی که در بالا توضیح داده شد، مجبور می‌شوند تا از ابزارهای تولید غول‌پیکر موجود در مقیاسی روزافزون استفاده کنند و برای این منظور، تمام منابع اصلی اعتباری خود را به جریان بیندازند، به همان اندازه زلزله‌های صنعتی را افزایش می‌دهند که در میان آنها، دنیای تجاری تنها با قربانی کردن بخشی از ثروت، محصولات و حتی نیروهای تولیدی‌اش در پای خدایان دنیای زمینی، می‌تواند خود را نگه دارد - بحران‌ها دائمی‌تر می‌شوند، خشونت‌بارتر می‌شوند،

حتی اگر تنها به این دلیل باشد که با همان اندازه‌ای که در آن انبوه محصولات و بنابراین نیاز به بازارهای وسیع افزایش می‌یابد، به همان اندازه بازار جهانی کوچک‌تر می‌شود. بازارهای هر لحظه کمتری باقی‌مانده است که مورد بهره‌برداری قرار گیرند، زیرا هر بحران قبلی بازاری را که تاکنون تسخیر نشده یا به طور سطحی استفاده شده بود، به تسخیر تجارت جهانی درآورده است.

اما سرمایه نه تنها با کار زندگی می‌کند، در لحظه هیجان و وحشی شدن نیز مانند ارباب اشرافی، اجساد بردگان خود را با خود به گور می‌برد، کارگرانی که در شمار زیاد در بحران‌ها نابود می‌شوند؛ بنابراین می‌بینیم که اگر سرمایه به سرعت رشد کند، رقابت در میان کارگران با سرعت بیشتری رشد می‌کند - یعنی ابزار اشتغال و امرارمعاش طبقه کارگر با سرعت بیشتری کاهش می‌یابد. اما، باوجود این "رشد سریع سرمایه، مساعدترین شرط برای کار مزدی است".

پایان



حکومت اسلامی سرنگون باید گردد

تسلای بیشتر برای آسودگی خود سرمایه‌داران است تا کارگران آنها. اگر قرار بود کل طبقه کارگر مزدی توسط ماشین‌آلات نابود شود، چقدر برای سرمایه وحشتناک بود چرا که سرمایه بدون کار مزدی دیگر سرمایه نیست! اما حتی اگر فرض کنیم که همه کسانی که مستقیماً توسط ماشین‌آلات مجبور به ترک شغل می‌شوند، و همچنین همه نسل‌های در حال رشدی که منتظر فرصتی برای اشتغال در همان شاخه صنعت بودند، واقعاً شغل جدیدی پیدا می‌کنند - آیا فکر می‌کنید که این استخدام جدید به اندازه کاری که از دست داده‌اند، دستمزد بالایی می‌دهد؟ اگر چنین می‌شد، با قوانین اقتصاد سیاسی در تضاد بود. ما دیده‌ایم که چگونه صنعت مدرن همیشه به جایگزینی مشاغل ساده‌تر و فرعی‌تر به جای مشاغل بالاتر و پیچیده‌تر تمایل دارد. پس چگونه توده‌ای از کارگران که توسط ماشین‌آلات از یک شاخه صنعت بیرون رانده شده‌اند، می‌توانند به شاخه‌ای دیگر پناه ببرند، مگر اینکه حقوق کمتری دریافت کنند؟ استثنایی که برای این قانون ذکر می‌کنند کارگرانی هستند که در ساخت ماشین‌آلات به کار گرفته می‌شوند. گفته می‌شود به محض اینکه در صنعت تقاضا برای ماشین‌آلات و مصرف بیشتر شود، تعداد ماشین‌آلات لزوماً باید افزایش یابد. در نتیجه، همچنین ساخت ماشین‌آلات؛ و در نتیجه، استخدام کارگران در ماشین‌سازی، و کارگران شاغل در این شاخه از صنعت کارگران ماهر و حتی تحصیل کرده هستند. از سال ۱۸۴۰، این ادعا، که حتی قبل از آن تاریخ نیز تنها نیمی از واقعیت بود، تمام شباهتش به حقیقت را از دست داده است. زیرا امروزه متنوع‌ترین ماشین‌ها برای ساخت خود ماشین‌ها در مقیاسی کاملاً گسترده مانند تولید نخ پنبه مورد استفاده قرار می‌گیرند، و کارگران شاغل در کارخانه‌های ماشین‌سازی می‌توانند نقش ماشین‌های بسیار احمقانه را در کنار ماشین‌های بسیار هوشمندانه ایفا کنند. ماشین‌آلات اما به جای مردی که توسط ماشین اخراج شده است، کارخانه ممکن است سه کودک و یک زن را استخدام کند! و آیا قبلاً مزد این مرد کفاف سه کودک و یک زن را نمی‌داده است؟ آیا حداقل دستمزد برای حفظ و تداوم نژاد نباید کافی باشد؟ پس این عبارات موردعلاقه بورژوازی چه چیزی را ثابت می‌کند؟ اینها چیزی بیشتر از این را (ثابت نمی‌کند) جز اینکه که در حال حاضر زندگی کارگران چهار برابر بیشتر از گذشته برای تأمین معاش یک خانواده کارگری صرف می‌شود. به طور خلاصه: هر چه سرمایه مولد بیشتر رشد کند، تقسیم کار و کاربرد ماشین‌آلات را بیشتر

جمهوری اسلامی زیر فشارهای جدید بین‌المللی

از صفحه ۱۷

توان ایجاد تغییر در مواضع مجامع بین‌المللی نسبت به جمهوری اسلامی را داریم و با گسترش اعتراضات خود می‌توانیم توجه و حمایت جهانی را بیشتر از پیش به خود جلب کنیم تا دولت‌های خودی و مجامع جهانی را وادار به انجام اقدامات عملی برای بستن دست جمهوری اسلامی در اعمال ضدانسانی و سرکوب مردم و علیه اعدام‌ها کنیم.

جمهوری اسلامی باید بایکوت سیاسی و دیپلماتیکی شود. باید سفارتخانه‌هایش در سراسر دنیا تعطیل و مزدورانش اخراج شوند. این تنها راه فشار عملی و مؤثر جهانی بر جمهوری اسلامی برای پایان دادن به خشونت، نقض حقوق بشر و آدمکشی است. و این همچنین مناسب‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای پایان دادن به تنش‌زایی منطقه‌ای و تهدیدات هسته‌ای این رژیم دیکتاتور و جنایت‌کار که بحران‌آفرینی در روابط جهانی بخشی از ماهیت آن است، خواهد بود.

اطلاعه‌های هفته اخیر

تجمع بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۰ مقابل نهاد رئیس جمهوری و دو خبر دیگر

فریاد زدند. در این تجمع جمعیت قابل توجهی شرکت داشتند و با شعار "صندوق را غارت کردند، ما را بیچاره کردند" اعتراض خود را به چپاولگری‌های حاکم اعلام داشتند.

در این روز همچنین بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد همچون یکشنبه‌های هر هفته در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز، تهران و بازنشستگان فولاد در اصفهان و ساری برگزار شد.

در اهواز نیز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند. یک موضوع اعتراض آنها به تعرضات حکومت به زنان برای تحمیل حجاب اجباری و از جمله بازداشت اهو دریایی است و شعار می‌دادند: "روسری را رها کن، تورم را مهار کن". موضوع دیگر اعتراض آنان به جنگ‌افروزی‌های حکومت است که تلاش می‌کند با گفتمان جنگ اعتراضات مردم را حاشیه‌ای کند. بازنشستگان در اهواز شعار می‌دادند: "جنگ‌افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن". دیگر شعارهای اعتراضی این بازنشستگان عبارت بودند از: "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "فقط کف خیابان به دست میاد حقمان"، "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکا است"، "اختلاس نجومی، فلاکت عمومی"، "نگ ما ننگ ما، صداوسیما ما"، "کشور پردرآمد مسئول بی‌لیاقت چه بر سر تو آورد؟! "

در این تجمع اعتراضی بنرهایی با نوشته‌های "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست"، و "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد" قابل توجه بود.

در شوش بازنشستگان به طور معمول از شهرهای کرخه و کارون و شوش گردآمده و مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع کردند و دست به راهپیمایی زدند. این بازنشستگان شعار می‌دادند: "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون".

بازنشستگان فولاد در اصفهان مقابل صندوق بازنشستگی در خیابان نشاط دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در این تجمع جمعیت قابل توجهی شرکت داشتند. این بازنشستگان با شعار "کشور پر درآمد، چه بر سر تو آمد؟" چپاولگری‌های حاکم را به چالش کشیده و با فریاد "فقط کف خیابان به دست میاد حقمون"، بر تداوم اعتراضات خود تأکید داشتند. کاهش خدمات رفاهی در درمانگاه صندوق فولاد، لغو قرارداد با بیمه دانا بر خلاف منافع بازنشستگان و انعقاد قرارداد با بیمه آتیه‌سازان حافظ که کارنامه خوبی در ارائه خدمات به بازنشستگان ندارد جنبه‌های برجسته و مهم اعتراضات بازنشستگان فولاد است. یک بنر اعتراضی تجمعات بازنشستگان تأکید بر حق مسلم درمان رایگان است.

بازنشستگان اعتراض کل جامعه را نمایندگی می‌کنند و از خواست‌ها و اعتراضاتشان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ آبان ۱۴۰۳، ۱۷ نوامبر ۲۰۲۴

امروز ۲۶ آبان بازنشستگان ۱۴۰۰ که بخش دیگری از معلمان بازنشسته هستند در اعتراض به عدم اجرای همسان‌سازی ۹۰ درصد رتبه‌بندی و مشکلات معیشتی و بساط چپاولگری حاکم مقابل دفتر رئیس جمهوری اسلامی در تهران دست به تجمع زدند. تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند: "صندوق خیانت می‌کند، دولت حمایت می‌کند"، "فریاد ما به دولت، پزشکیمان خجالت، خجالت"، "حق خوری را رها کنید، دولتتان حیا کنید"، "فقط یک ۱۰ هزاری حاصل رتبه‌بندی، پزشکیمان خجالت!"

فرهنگیان بازنشسته ۱۴۰۰ اجرای همسان‌سازی و رتبه‌بندی و پرداخت معوقات آن را به طور کامل طلب می‌کنند. به گفته آنان این مصوبات با گذشت نزدیک به ۴۰ ماه از زمان بازنشستگی آنان، هنوز اجرایی نشده است.

خبر دیگر مربوط به برگزاری مجمع عمومی انجمن فرهنگیان شاغل و بازنشسته اسلام‌آباد غرب در بیست و چهارم آبان‌ماه است. این نشست با حضور نماینده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان انجام گرفت. در این مجمع عمومی پس از بررسی و تصویب مفاد اساسنامه توسط اعضا، انتخابات تعیین هیئت‌مدیره انجام شد.

معلمان یک بخش سازمان‌یافته جامعه هستند و برگزاری مجمع عمومی قدیمی دیگر در راستای تقویت بنیان‌های تشکلهای مستقل معلمان و اتکای آن به دخالتگری بدنه آن است. در سال‌های اخیر موانع اداری و عدم صدور مجوزهای لازم، مانعی جدی در مسیر توسعه این فعالیت‌ها بوده است. علی‌رغم این معلمان همواره در حفظ تشکلهای خود تلاش کرده و برای آن هزینه داده‌اند. از تجارب معلمان باید آموخت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن گزارش این خبر و تریبک برگزاری مجمع عمومی انجمن فرهنگیان شاغل و بازنشسته در اسلام‌آباد غرب بار دیگر بر اهمیت برگزاری مجامع انتخاباتی تشکلهای تأکید کرده است.

در این روز همچنین پرستاران و کادر درمان بیمارستان لقمان تهران در ادامه اعتراضات سراسری پرستاران به‌خاطر مشکلات معیشتی و فشارهای سنگین کاری دست به تجمع زدند. حذف اضافه‌کاری‌های اجباری، افزایش سطح حقوقها و پرداخت کامل تعرفه‌ها و دیگر معوقات شغلی، بازگشت به کار پرستاران اخراجی و بالابردن استانداردهای درمان و بهداشت در بیمارستان‌ها از جمله مطالبات فوری پرستاران است. از خواست‌ها و مبارزات پرستاران حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ آبان ۱۴۰۳، ۱۶ نوامبر ۲۰۲۴

تجمعات بازنشستگان نفت، تأمین اجتماعی و فولاد

"شاغلین، بازنشستگان اتحاد اتحاد"



امروز بیست و هفتم آبان‌ماه بازنشستگان صنعت نفت بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در اعتراض به حذف امکانات رفاهی و درمانی و حقوقهای زیر خط‌فقر در برابر ساختمان "شرکت ملی نفت ایران" در تهران تجمع داشتند. این بازنشستگان با شعار "شاغلین، بازنشستگان اتحاد اتحاد" بار دیگر پرچم اتحاد سراسری کارگری را به دست گرفته و صدای اعتراض خود را علیه وخیم‌تر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی

هستند، نهاد حکومتی موسوم به "ستاد اجرایی فرمان امام" تحت اختیار خامنه‌ای و نیز بنیاد تعاون سپاه پاسداران است.

در این روز همچنین اعتراضات پرستاران شیراز وارد سیزدهمین روز و اعتراضات پرستاران و کادر درمان یاسوج وارد پنجمین روز خود شد. اعتراض پرستاران به سطح نازل حقوقها، تبعیض در پرداخت تعرفه‌ها و عدم پرداخت برخی مطالباتشان، فشار سنگین کاری و تحمیل اضافه‌کاری‌های بردهوار اجباری و استاندارد پایین بهداشت و درمان در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی است. پرستاران معترض اعلام کرده‌اند که "اعتصاب ما، نه برای ترک بیماران، بلکه برای دفاع از حقوق آنان و خودمان است. وقتی ما پرستاران، شرایط بهتر و عادلانه‌ای داشته باشیم، می‌توانیم خدمات بهتری به بیماران ارائه دهیم. این اعتصاب، صدای جمعی ماست برای تغییر؛ تغییری که نه فقط برای ما، بلکه برای آینده سیستم بهداشت و درمان ضروری است."

گزارش اعتراضی دیگر امروز مربوط به تجمع کشاورزان در اصفهان در گرامیداشت سالگرد اعتراضات گسترده‌شان در آبان ۱۴۰۰ و برای پیگیری مطالباتشان است. در این تجمع کشاورزان معترض بر حق و حقوق پایه‌ای خود و به‌ویژه حقایق تأکید کردند.

آخرین خبر اینکه امروز ۲۸ آبان جمعی از کارگران اخراجی شرکت‌های پیمانکاری طرف قرارداد با شرکت پتروشیمی ارغوان گسترایلام به همراه خانواده‌های خود مقابل این شرکت تجمع کردند. این کارگران پس از مدت‌ها اعتراض و برگزاری تجمعات مختلف، به دنبال برگزاری آزمون اخیر برای پذیرش ۵۰ نفر و اعلام نتیجه آن، مدت دو روز است که مجدداً در برابر شرکت پتروشیمی ارغوان گستر دست به تجمع زده و خواستار احقاق حقوق و بازگشت به کار خود هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ آبان ۱۴۰۳، ۱۸ نوامبر ۲۰۲۴

تجمع بازنشستگان کشوری در کرمانشاه و افراد دارای معلولیت در تهران

معیشت شایسته حق مسلم ماست

روز سه‌شنبه ۲۹ آبان بازنشستگان کشوری که بخش مهمی از آنها معلمان هستند همراه با دیگر بازنشستگان برای پیگیری مطالبات خود مقابل صندوق بازنشستگی در کرمانشاه تجمع کردند.

بازنشستگان در این تجمع اعتراضی با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را علیه فقر و بی‌تامینی، اختلاس‌ها و دزدی‌ها و سرکوبگری‌های حکومت بلند کردند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "تجمع اعتراض حق مسلم ماست"، "ایران پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "حقوق بازنشسته، فقط برای یه هفته"، "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن"، "زندگی شایسته حق مسلم ماست!"، "هم معیشت هم درمان نابودتر از هر زمان"، و "معلم زندانی آزاد باید گردد".

یک بنر قابل توجه در تجمعات بازنشستگان کشوری با مضمون "کشوری، تأمین اجتماعی، مخابرات، فولادی، اتحاد اتحاد" حرکت متحدانه و سراسری ده‌ها میلیون بازنشسته در سراسر کشور را مورد تأکید قرار می‌داد.

در این روز همچنین جمعیت قابل توجهی از افراد دارای معلولیت و خانواده‌هایشان در اعتراض به وضع بد درمانی و معیشتی خود برای چندمین هفته متوالی مقابل سازمان برنامه‌بودجه تجمع کردند. یک اعتراض آنها به عدم اجرای ماده ۲۷ قانون معلولان و اختصاص بودجه لازم به مشکلات معیشتی و درمانی‌شان است. این تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند: "معیشت شایسته حق مسلم ماست"، و "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه".

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ آبان ۱۴۰۳، ۱۹ نوامبر ۲۰۲۴

ادامه اعتراضات پرستاران

اعتراضات پرستاران در شیراز، یاسوج و تهران

امروز یکشنبه ۲۷ آبان پرستاران و کادر درمان یاسوج در ادامه اعتراضاتشان و برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند.

در این روز که دوازدهمین روز اعتراضات پرستاران و کادر درمان بیمارستان‌های شیراز است، پرسنل ۱۱۵ این شهر نیز دست به تجمع زده و پیگیر خواست‌های اعلام شده خود شدند.

همچنین اعضای جامعه پزشکی شیراز نیز در روز گذشته، روز شنبه‌های اعتراضی پرستاران، در محل نظام‌پزشکی شهر تجمع کرده و ضمن گرامیداشت دکتر مسعود داودی که جان‌باخته است، خواستار پایان یافتن هجمه‌های رسانه‌ای علیه پزشکان و خشونت علیه کادر درمان شدند.

در روز گذشته پرستاران و کادر درمان بیمارستان لقمان تهران نیز در اعتراض به انجام نشدن وعده‌های وزارت بهداشت در خصوص حقوق، مزایا و حذف اضافه‌کاری‌های اجباری دست به تجمع زدند.

مطالبات مهم پرستاران و کادر درمان به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

۱. اصلاح حکم حقوقی پرستاران و کادر درمان متناسب با تورم (حق شغل، حق شاغل و... حقوق دریافتی نباید زیر ۳۰ میلیون تومان باشد)
۲. برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب ۳ و گنجاندن آن در حکم
۳. اجرای دقیق تعرفه پرستاری
۴. اجرای مشاغل سخت و زیان‌آور
۵. ممنوع اعلام کردن اضافه‌کار جهت ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی نیروی انسانی
۶. ایجاد امنیت شغلی

پرستاران با بنر "حقوقها بین ۱۰ تا ۱۵ و خط فقر ۴۵ میلیون" به حقوقهای ناچیز چند بار زیر خط فقر اعتراض دارند. خواست‌ها و اعتراضات پرستاران مستقیم به وضع درمان و بهداشت جامعه مربوط است و شایسته و وسیع‌ترین حمایت‌هاست.

حزب کمونیست کارگری ایران

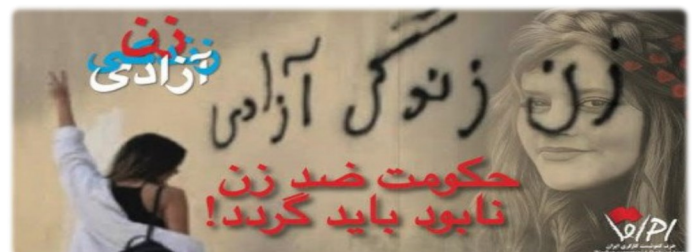
۲۷ آبان ۱۴۰۳، ۱۷ نوامبر ۲۰۲۴

تجمعات بازنشستگان مخابرات، ادامه اعتراضات پرستاران و اخباری دیگر

امروز ۲۸ آبان ماه بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف برای پیگیری خواست‌هایشان و در اعتراض به اختلاس‌گری‌های سهام‌داران عمده مخابرات دست به تجمع زدند. این تجمعات در این هفته در شهرهای تهران، اصفهان، سنندج، کرمانشاه، تبریز، رشت، شیراز، میوان، زنجان، بیجار، اهواز، همدان برگزار شدند.

بازنشستگان مخابرات همچنین در اعتراض به اجرایی‌نشدن آیین‌نامه‌های مصوب که می‌تواند بهبودی در سطح حقوق‌هایشان ایجاد کند خواست‌هایی فوری دارند که عبارت‌اند از: "اجرای بدون تنازل بند ۶ و ۹ مصوبه اسفندماه سال ۸۵ هیئت وزیران، آیین‌نامه ۸۹/۲۴ مردادماه سال ۸۹ هیئت‌مدیره وقت شرکت مخابرات ایران و پرداخت معوقات.

سهام‌داران عمده شرکت مخابرات، که هدف شعارهای بازنشستگان



بازنشستگان با شعار "شاغلین، بازنشستگان اتحاد اتحاد" بر اتحاد سراسری کارگری تأکید کردند.

در این روز همچنین کلیه پرسنل شرکت ایران خودرو در صحنه (کرمانشاه) برای دومین روز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و مشکلات معیشتی و خلف وعده مدیریت از ورود به داخل شرکت امتناع ورزیده و در محوطه باز بیرون شرکت تجمع کردند. پیش از این مدیران شرکت در مقابل اعتراضات کارگران قول افزایش حقوقها را داده بودند. اما بعد از گذشت چندین ماه به وعده خود عمل نکرده و این موجب خشم کارگران شده است. این در حالی است که شرکت ایران خودرو طی اطلاعیه‌ای رسمی محصولات تولیدی خود را افزایش داده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ آبان ۱۴۰۳، ۲۰ نوامبر ۲۰۲۴



تجمع بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۰، پرستاران اهواز و دو خبر دیگر

امروز ۳۰ آبان جمعیت چندین هزار نفره معلمان بازنشسته ۱۴۰۰ بار دیگر در اعتراض به وعده‌های دروغین، سر دواندن‌های مقامات مسئول و بی پاسخ ماندن مطالباتشان مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند و با سردادن شعار "فریادفریاد از این همه بیداد" صدای اعتراضشان را بلند کردند. در این تجمع حضور زنان بسیار چشمگیر بود و سیل خروشان جمعیت شعار می‌دادند و سخنرانان در مورد فشارها و بیدادگری‌ها اعتراض همه بازنشستگان را بیان می‌کردند.

حکومت اسلامی نه فقط خدمات درمانی و رفاهی به بازنشستگان نمی‌دهد بلکه صندوق‌های بازنشستگی را نیز مورد چپاول قرار داده و مافیای اسلامی حاکم حتی از معیشت بازنشستگان نیز برای ثروت‌اندوزی نمی‌گذرد. اعتراض بازنشستگان به اختلاس‌ها و دزدی‌ها، سطح نازل حقوقها و عدم اجرای دستورالعمل اجرایی متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان در سال ۱۴۰۰ مبنی بر اعمال ۹۰ درصد از فوق‌العاده رتبه‌بندی در حقوق بازنشستگی‌شان است.

در این روز همچنین در ادامه اعتراضات سراسری پرستاران، کادر درمانی اهواز و شیراز در اعتراض به عدم توجه مسئولین به مطالبات و خواسته‌های معیشتی پرستاران با "فریاد پرستار می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" مقابل استانداری تجمع داشتند.

مطالبات مهم پرستاران و کادر درمان به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

۱. اصلاح حکم حقوقی پرستاران و کادر درمان متناسب با تورم (حق شغل، حق شاغل و... حقوق دریافتی نباید زیر ۳۰ میلیون تومان باشد)
۲. برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب ۳ و گنجاندن آن در حکم
۳. اجرای دقیق تعرفه پرستاری
۴. اجرایی شدن مزایای مشاغل سخت و زیان‌آور
۵. ممنوع اعلام کردن اضافه‌کار جهت ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی نیروی انسانی
۶. ایجاد امنیت شغلی

خبر اعتراضی دیگر در این روز تجمع جمعی از کارگران حجمی/شرکتی راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان ایلام در اعتراض به کاهش حقوق و مزایا، عدم عقد قرارداد و با مطالبه خواسته‌هایی رفاهی در برابر اداره کل بازرسی است. به گفته کارگران قریب ۸ ماه است که هیچ‌گونه قراردادی با آنان منعقد نشده است و اخیراً نیز از حقوق هر کدام از آنها مبلغ پنج میلیون تومان کسر شده است. این کارگران به طور شبانه‌روز در مسیرهای مواصلاتی و جاده‌های استان کار می‌کنند و خواستار قرارداد دائمی هستند. آخرین خبر مربوط به اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه "تراکتورسازی تبریز" در برابر شرکت "آهن‌گری" این کارخانه در اعتراض به وضع بد معیشتی و برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته‌شان است که در روز گذشته روی داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ آبان ۱۴۰۳، ۲۰ نوامبر ۲۰۲۴

تجمع بازنشستگان نفت در اهواز و کارگران ایران خودرو در کرمانشاه

بنا بر خبرهای منتشر شده امروز ۳۰ آبان بازنشستگان صنعت نفت اهواز در اعتراض به حذف امکانات رفاهی و درمانی و حقوق‌های زیر خط فقر و نیز دست‌اندازی به دارایی صندوق بازنشستگی‌شان تجمع کردند. در همین رابطه در روز ۲۷ آبان تجمع بزرگی از سوی کارگران بازنشسته نفت در مقابل "شرکت ملی نفت ایران" در تهران برگزار شد و

کمک‌های مالی رسیده به حزب:

- ♦ جیمز امریکا ۶۰۰۰ دلار آمریکا
- ♦ سینا پدرام ۵۰۰۰ پوند



از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۵ آبان تا ۲۲ آذر ۱۴۰۳

جمعه ۲ آذر

- از زمان انتقال ۴ زندانی سیاسی اهوازی به اسامی محمدرضا مقدم، معین خنفری، علی مجدم و عدنان موسوی غیبشماوی محکوم به اعدام به سلول انفرادی، خبری از آنها نیست. این زندانیان در ۲۴ مهر برای اجرای حکم به انفرادی زندان سپیدار منتقل شدند. در اعتراض به این موضوع و برای پیگیری وضعیت آنها خانواده‌های این زندانیان که نگران حال عزیزانشان هستند، چند روزی تحصن داشتند. به حمایت از این زندانیان و خانواده‌هایشان بشتابیم. این چهار زندانی سیاسی طی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ بازداشت و از سوی دادگاه انقلاب اهواز به اعدام محکوم شدند.

پنجشنبه ۱ آذر

- بلاتکلیفی ۵ متهم سیاسی به اسامی مسعود جامعی، علیرضا مرداسی، فرشاد اعتمادی‌فر، سامان حرمت نژاد و داوود حرمت نژاد، در زندان شبیان اهواز کماکان ادامه دارد. آنها در یک پرونده قضایی مشترک بازداشت و زندانی شده‌اند و با اتهاماتی چون "افساد فی الارض، محاربه، عضویت در گروه‌های مخالف نظام و اجتماع، تبانی بر علیه امنیت کشور و عضویت در گروه باغی" در یکی از شعب دادرسی اهواز تفهیم اتهام شده‌اند. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

چهارشنبه ۳۰ آبان

- بازنشستگان صنعت نفت اهواز در اعتراض به حذف امکانات رفاهی و درمانی و حقوق‌های زیر خط فقر و نیز دست‌اندازی به دارایی صندوق بازنشستگی‌شان تجمع کردند.

- کادر درمانی اهواز در اعتراض به عدم توجه مسئولین به مطالبات و خواسته‌های معیشتی پرستاران با "فریاد پرستار می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" مقابل استانداری دست به تجمع زدند.

سه‌شنبه ۲۹ آبان

- محمد مؤمنی تیماس (معروف به ابونصار سیلاوی) زندانی سیاسی عرب در زندان شبیان اهواز به دلیل وخامت وضعیت جسمانی خود به بیمارستان منتقل و در همان روز از بیمارستان مرخص گردید. او ۶۴ سال دارد و مرخصی وی به‌رغم کهولت سن و وضعیت نامساعد جسمانی همچنان از سوی دستگاه قضایی و امنیتی تمدید نشده است. مؤمنی توسط دادگاه انقلاب اهواز به پنج سال حبس محکوم شده است و پس از گذشت یک سال از دوران محکومیتش روز ۱۷ مهر ۱۴۰۳، با دریافت مرخصی استعلاجی به مدت یک ماه از بند ۵ این زندان آزاد شد. زندان اهواز "به‌ویژه برای زندانیان سیاسی عرب اهوازی" مشکلات بسیاری در زمینه دسترسی به مرخصی استعلاجی ایجاد کرده است. در زندان شبیان اهواز بیش از ۲۰ نفر نیاز فوری به درمان پزشکی در بیمارستان‌های خارج از زندان دارند که مقامات زندان، زندانیان را از آن محروم می‌کنند.

دوشنبه ۲۸ آبان

بنا بر خبرهای منتشر شده شرکت پارس طبیعت سلولز بعد از تعطیلی چندماهه تحت عنوان کمبود مواد اولیه با حمایت فرماندار شهرستان شوش دانیال با تعداد حدوداً ۷۰ کارگر شروع به کار کرده و باقی کارگران از کار بیکار شده‌اند. و با وجود گذشت سه ماه از کار آنها هنوز مزدی به آنان پرداخت نشده است. در شرکت پارس طبیعت حدود ۳۵۰ کارگر به کار اشتغال داشتند.

- بازنشستگان مخابرات در اهواز در کنار دیگر شهرها برای پیگیری خواست‌هایشان و در اعتراض به اختلاسگری‌های سهام‌داران عمده مخابرات دست به تجمع زدند.

- قطعی برق خشم و اعتراض جامعه را برانگیخته است. در اهواز یکی از ناوابان در اعتراض به قطعی برق و ترش شدن خمیرهای نان خود به مقابل ادامه برق منطقه چهار رفته و خمیرهای خراب را بر روی در این اداره چسباند و فریاد اعتراضش را بلند کرد. این ناوای معترض می‌گفت که هر هفته پنج میلیون به‌خاطر قطعی برق ضرر می‌دهد.

یکشنبه ۲۷ آبان

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در راستای تجمعات سراسری روزهای یکشنبه در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و برای پیگیری مطالباتشان در شوش و اهواز دست به تجمع زدند.

شنبه ۲۶ آبان

- همراه بیماری که صبح قبل از شروع روتیشن اکسپایر شده بود، به زور درب بخش را باز کرد و در عین اینکه در کنار یک نیروی حراست راه می‌رفت و فریاد می‌زد، به اینترنت‌های شیفته حمله کرد و با چاقو تهدید به قتل و اقدام به ضرب و شتم اینترنت کرد. او با خشم فراوان پزشک و پرستار را مورد فحاشی قرار می‌داد. این چنین است که در جاهایی ما شاهد این هستیم که همراهان بیماران که جان عزیزانشان در خطر است، خشم و اعتراض خود را به وضع اسفناک بیمارستان‌ها و مراکز درمانی از جمله کمبود پرستار و کادر درمان متوجه پزشکان و کادر درمان می‌کنند. پرستاران و کادر درمان که هم اکنون خود در اعتراض به همین وضعیت نابسامان و اسفناک بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و از جمله کمبود پرستار و فشار سنگین کاری که مستقیماً جان بیماران را به خطر می‌اندازد در اعتراض‌اند. از مبارزات پرستاران و کادر درمان باید وسیعاً حمایت کرد.

- سازمان هواشناسی کشور سامانه پایداری جو، نسبت به افزایش غلظت آلاینده‌ها از صبح این روز تا روز دوشنبه ۲۸ آبان که موجب افزایش غلظت آلاینده‌های جوی و کاهش کیفیت هوا به‌ویژه در اوایل صبح می‌شود در چندین شهر از جمله در اهواز، هشدار زرد داد.

در همین راستا بر اساس اعلام اداره کل آموزش و پرورش خوزستان، با تصمیم کارگروه اضطرار آلودگی هوای استان به علت تشدید آلاینده‌های صنعتی، مدارس شهرستان‌های اهواز، باوی، حمیدیه، کارون و ماهشهر در نوبت بعدازظهر این روز به‌صورت غیرحضوری انجام شد.

جمعه ۲۵ آبان

- به گزارش رسانه‌های حکومتی به علت تشدید آلودگی هوا، فعالیت مدارس نوبت صبح شهرهای اهواز، کارون، حمیدیه، باوی، شادگان و شوشتر در روز شنبه ۲۶ آبان ماه تعطیل و غیرحضوری اعلام شد. تخریب محیط‌زیست زندگی و معیشت مردم را به نابودی کشانده است.

- تخریب محیط‌زیست که نتیجه بخشی از بساط سرابا چپاول و غارت جمهوری اسلامی است، در ایران پیدای می‌کند. خوزستان یک مرکز مهم این چپاولگری‌ها بوده است. طبق آمارهای تنها در یک بازه زمانی ۲۰ ساله، از ۷ و نیم میلیون نخل در شادگان خوزستان ۲ و نیم میلیون آن به‌جامانده است و ۴۵ هزار هکتار از کشت نخل به ۱۵ هزار هکتار رسیده است. طبق گزارشات تنها یک سوم از ۶۳ هزار هکتار زمین کشاورزی در این شهرستان زیر کشت رفته است و تالاب‌ها از رمق افتاده و هزاران تن ناگزیر به کوچ شده‌اند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲ آذر ۱۴۰۳، ۲۲ نوامبر ۲۰۲۴

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad.rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید